



رویکرد تصادفی یا اقدام عمدی؟

علت آتش سوزی های پیهم در مکاتب پنجشیر چیست



در جریان چهار ماه گذشته چندین مکتب و ساختمان دولتی در پنجشیر و خانه‌هایی که زیر کنترل جنگ‌جویان طالبان قرار دارند، گواه آتش سوزی بوده‌اند. مسوولان محلی طالبان در پنجشیر وقوع این آتش سوزی‌ها را «تصادف» و «بی‌احتیاطی» جنگ‌جویان این گروه عنوان کرده‌اند. باشندگان محل اما می‌گویند که افراد طالبان به‌گونه «عمدی» مکاتب و زیربناهای دولتی را آتش می‌زنند تا کودکان و جوانان این ولایت از آموزش محروم بمانند. آنان همچنان از مقام‌های طالبان می‌خواهند...

سیاست مهم‌ترین عمل اجتماعی (۲)



یک سال انتظار نافرجام؟

شهروندان از توقف دوباره توزیع پاسپورت نگران‌اند

والی طالبان در پروان:

گناه قیام‌کننده علیه «نظام اسلامی» بالاتر از کفار است



۸صبح، کابل: به دنبال تأیید کشته شدن اکمل امیر، فرمانده جبهه آزادی در سالنگ جنوبی، والی طالبان در پروان گفته است که هر کسی در مقابل «نظام اسلامی» قیام می‌کند، جرمش بالاتر از کفر است.

اگرچه خبرگزاری باختر تحت مدیریت طالبان، گزارش داده است که عبیدالله امین‌زاده، والی طالبان در پروان، روز یکشنبه، ۲۷ حمل، در دیدار با باشندگان ولسوالی سالنگ این ولایت گفته است: «فعلاً در افغانستان هیچ دلیل شرعی برای جنگ وجود ندارد و هر کسی که در مقابل آن می‌خیزد، باغی و سرکش است.»

یک جوان در بدخشان خودکشی کرد

۸صبح، بدخشان: منابع محلی از بدخشان در شمال شرق کشور می‌گویند که یک جوان در این ولایت خودش را حلق‌آویز کرده است. این جوان که احمد خالد نام داشت، روز شنبه، ۲۶ حمل، در شهر جدید فیض‌آباد، مرکز بدخشان، به زنده‌گی‌اش پایان داده است. گفته می‌شود که خالد ۲۵ ساله پس از یک تنش

بیداد فقر در جاده‌های کابل؛ نادر بیشتر روزهای هفته دست خالی برمی‌گردد



امیر و اندرابی؛ فرماندهانی که برای آزادی رزمیدند



یک جوان در غور خودکشی کرد

۸صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور می‌گویند که یک جوان در این ولایت خودش را حلق‌آویز کرده است. نام این فرد عظیم بوده است. تا کنون علت و انگیزه خودکشی مشخص نشده است. این در حالی است که در یک رویداد دیگر جوانی به نام احمدخالد روز شنبه، ۲۶ حمل، در شهر جدید فیض‌آباد، مرکز بدخشان، خودش را حلق‌آویز کرده است.



فایق: کشتار هدفمند نظامیان پیشین از سوی طالبان ادامه دارد

۸صبح، کابل: نصیراحمد فایق، سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل، می‌گوید که کشتار نیروهای امنیتی حکومت پیشین از سوی طالبان ادامه دارد. سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد این مطلب را صبح روز یکشنبه، ۲۷ حمل، در صفحه توئیترش بیان کرده است. فایق با نشر دوباره خبر کشته شدن ریاض احمدزی، از اعضای نیروهای ویژه حکومت پیشین، که چند روز پیش در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، در مقابل خانه‌اش تیرباران شد، طالبان را عامل کشتار هدفمند نظامیان پیشین دانسته است. نصیراحمد فایق پرسیده است: «کجاست عفو عمومی طالبان؟» سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل در حالی طالبان را عامل کشتار نظامیان حکومت پیشین دانسته که اخیراً ترور مرموز این نظامیان در ولایت‌های مختلف افزایش یافته است. هنوز عاملان هیچ یک از این ترورها بازداشت و دادگاهی نشده‌اند.





طالبان و ترمینولوژی بغاوت

طالبان مخالفان خود را اهل بغاوت می‌خوانند و هرگونه مخالفت در برابر سلطه این گروه را بدتر از کفر قلمداد می‌کنند؛ چنان‌که چندین بار از والیان و مفتیان این گروه شنیده شده است. پیش از این نیز امیرالمومنین این گروه هرگونه مخالفت و انتقاد از سران این گروه را ممنوع اعلان کرده بود. باغی خواندن مخالفان و سرکوب آنان با توجیه دینی از اکنون نیست و در تاریخ ما پیشینه‌های دراز دارد و حاکمیت‌های استبدادی از دیرباز در قلع و قمع مخالفان خود به کار می‌بستند. در این میان، نظام‌های مبتنی بر استبداد دینی مهارت‌های بیشتری برای سرکوب با ابزار دین و مذهب دارند.

بغاوت به معنای گردن‌کشی و سرپیچیدن از فرمان‌بری است و در قدیم به عمل گروه‌های شورشی‌ای گفته می‌شد که در برابر نظمی مستقر و مشروع دست به آشوب می‌زدند و نظم جامعه را بر هم زده و موجب آشوب و ناامنی می‌شدند. این اصطلاح بیشتر اصطلاحی فقهی است که براساس مناسبات اجتماعی جهان کهن پدید آمده بود و به نظام‌های حاکم کمک می‌کرد که جلو نیروهای شورشی را بگیرند. در سپهری که این تئوری مطرح شده بود، تنها یک موضوع اهمیت داشت و آن جلوگیری از هرج‌ومرج بود؛ حتی اگر با استقرار نظام ظالم که در فقه به آن «امام جائر» می‌گفتند. در آن سپهر فکری، مفاهیمی مانند حقوق بشر، حقوق شهروندی، ارزش‌های مدنی، قانون اساسی، تفکیک قوا، حاکمیت قانون، تنوع و کثرت‌گرایی، حقوق اقلیت‌ها، قوه قضاییه مستقل و بسیاری از مفاهیم مدرن که پایه قوام و دوام نظام‌های سیاسی معاصر است، وجود نداشت.

گروه طالبان که فلسفه سیاسی‌ای جز مسایل مطرح‌شده در فقه قرون وسطایی ندارد و با همان ابزار سراغ مشکلات جوامع امروزی می‌رود. سران این گروه نمی‌دانند که مخالفت با نظام سیاسی حق شهروندان است و حاکمیتی که برآمده از رأی مردم نباشد، دارای هیچ‌گونه مشروعیتی نیست و در نتیجه مخالفت با آن هیچ قباحتی ندارد. نه تنها این، بلکه هر گروهی که مردم یک سرزمین را از حقوق اساسی‌شان محروم می‌کند و به خواست اکثر شهروندان بی‌اعتنایی نشان می‌دهد و به کنوانسیون‌های بین‌المللی احترام نمی‌گذارد و به نیازهای یک جامعه در راستای توسعه و ترقی پروایی ندارد، مخالفت با آن تبدیل به فضیلتی می‌شود که هر انسان آزاده‌ای خود را به آن مکلف می‌داند.

آن‌چه طالبان بغاوت می‌خوانند، از منظر قوانین حقوق بشری امروز حق مسلم شهروندان است و از منظر درون‌دینی، ایستاده‌گی در برابر «امام جائر» است که در ردیف افضل‌الجهاد قرار می‌گیرد. براساس همین درک شهودی است که مردم بی‌صبرانه منتظرند تا نیرویی آزادی‌خواه پیدا شود و استبداد طالبانی را به چالش بکشد. مجموعه مفساد و رذایلی که نظام‌های استبدادی مانند طالبان دارند و در اثر آن هست و نیست یک جامعه را با تاراج مواجه می‌کنند، هر انسان آزاده و هر شهروند مسوول را و می‌داند که به تغییر وضعیت بیندیشد و برای این تغییر تلاش بورزد. مردم خواهان جنگ و ناامنی نیستند، اما هنگامی که راه‌های مسالمت‌آمیز برای تغییر وضعیت مسدود شود، مردم ناگزیر می‌شوند که به همه گزینه‌های ممکن فکر کنند، چه طالبان و حامیان‌شان بخواهند و چه نخواهند. بحران افغانستان در سایه طالبان عمیق‌تر می‌شود و معضله این کشور روز به روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد.

سازمان جهانی غذا: نرخ افغانی در برابر دالر امریکایی به لطف بسته‌های نقدی ثابت مانده است



۸صبح، کابل: سازمان جهانی غذا گفته است که نرخ مبادله افغانی به دالر امریکایی در ماه‌های اخیر به لطف جریان پیوسته دالر به آژانس‌های سازمان ملل متحد، بین ۸۷ تا ۸۹ افغانی در برابر یک دالر ثابت مانده است.

سازمان جهانی غذا روز یکشنبه، ۲۷ حمل، با نشر گزارشی نوشته است که ارزش پول افغانی در مقایسه با ماه فیبروری سال روان میلادی در برابر دالر امریکایی دو درصد کاهش یافته است.

این سازمان به نقل از شاه‌محمد محرابی، عضو شورای عالی بانک مرکزی صندوق امانت افغانستان، گفته است که اسکناس‌های جدید افغانی در ماه می سال روان میلادی به افغانستان وارد خواهد شد.

به گفته سازمان جهانی غذا، این اسکناس‌ها توسط یک شرکت فرانسوی چاپ شده است. در گزارش به نقل از اتحادیه صرافان بازار سرای شهزاده شهر کابل آمده است که میزان اسکناس‌های

فرسوده ۵۰۰ و ۱۰۰۰ افغانی در بازار افزایش یافته و صرافی‌ها را با چالش مواجه کرده است. سازمان جهانی غذا اضافه کرده است که میانگین قیمت کالاهای اساسی مانند گندم، آرد، برنج شوله‌ای و برنج پلوی نسبت به ماه دلو سال گذشته کاهش یافته، اما قیمت بوره و حبوبات به دلیل کمبود عرضه افزایش پیدا کرده است.

گفتنی است که در ماه‌های نخست تسلط طالبان و مسدود شدن نزدیک به ۱۰ میلیارد دالر از دارایی‌هایی افغانستان توسط امریکا، ارزش دالر در برابر پول افغانی به‌گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش پیدا کرد.

در همین حال، برپایه اطلاعات سازمان ملل متحد از دسامبر سال ۲۰۲۱ تا کنون بیش از دو میلیارد دالر پول نقد، برای انجام فعالیت این سازمان و شرکای آن، به افغانستان سرازیر شده است. بسته‌های ۴۰ میلیون دلاری در هفته‌های اخیر نیز به کابل رسیده است.

جبهه آزادی کشته شدن اکمل امیر را تایید کرد

۸صبح، کابل: جبهه آزادی افغانستان در چهارمین اعلامیه‌اش در پیوند به درگیری خونین میان اعضای این جبهه و جنگ‌جویان طالب در سالنگ جنوبی، کشته شدن اکمل امیر را تایید کرده است.

این جبهه پس از چاشت روز یکشنبه، ۲۷ حمل، در اعلامیه‌ای گفته است که طالبان در کنار آزاروآذیت بسته‌گان کشته‌شده‌گان جبهه آزادی، به جنازه‌های آنان نیز بی‌حرمتی کرده‌اند.

بربنیاد اعلامیه، طالبان با اجازه ندادن به اجرای مناسک مذهبی بر اجساد کشته‌شده‌گان جبهه آزادی، ظاهراً در تلاش انحراف مردم از پیوستن به مقاومت در برابر خود بوده‌اند. جبهه آزادی گفته که این مساله نتیجه معکوس داشته است. در اعلامیه آمده است: «جبهه آزادی با باورمندی کامل به مبارزه برحق خویش علیه ظلم و تعصب طالبان، بار دیگر بر ادامه این راه مقدس تا آزادی کامل کشور از لوٹ طالبانی تاکید و اطمینان می‌دهد که انتقام هر قطره خون شهدای مبارزه مقدس مسلحانه و رنج و عذاب مردم بی‌دفاع زیر سلطه غاصبانه طالبان را از این جریان جهنمی و به‌ویژه مزدوران محلی‌شان خواهد گرفت.»

گفتنی است که اکمل امیر و بصیر اندرابی، دو تن از فرماندهان جبهه آزادی، هفته گذشته در یک درگیری مسلحانه در ولسوالی سالنگ پروان با شماری از همراهان‌شان کشته شدند. جبهه آزادی از این میان تنها مرگ اکمل امیر را تایید نکرده بود.



طالبان در قندهار و هلمند پروژه‌های تعلیمی را متوقف کردند

۸صبح، قندهار: منابع محلی می‌گویند که وزارت معارف زیر کنترل طالبان با ارسال مکتوبی به ریاست‌های معارف زیر کنترل این گروه در قندهار و هلمند، دستور توقف پروژه‌های تعلیمی در این دو ولایت را داده است. منابع روز یکشنبه، ۲۷ حمل، مکتوب وزارت معارف طالبان را در اختیار روزنامه ۸صبح داده‌اند.

منابع می‌افزایند که این پروژه‌های تعلیمی شامل صنف‌های محلی و دیگر پروژه‌ها است که همراه معارف این ولایت‌ها به‌گونه مختلط فعالیت داشتند.

در مکتوب آمده است که فعالیت موسسه‌های تعلیمی تا زمانی که هیات تعیین‌شده در مورد تمام پروژه‌های تعلیمی تحقیق می‌کند و موارد اختلافی حل نشده، متوقف است.

در این مکتوب همچنان تذکر داده شده است که فعالیت این پروژه‌ها تا امر بعدی متوقف باشد. این در حالی است که با تسلط طالبان در افغانستان، نزدیک به دو سال می‌شود که دختران بالاتر از صنف ششم از رفتن به مکتب منع شده‌اند.



یک دانش‌آموز صنف ۱۲ در بامیان خودکشی کرد

یک منبع محلی که نخواست از او نام برده شود، می‌گوید که جسد زکریا حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پس از چاشت امروز برای تحقیقات به شفاخانه ولایتی بامیان منتقل شده است.

طبق اطلاعات منبع، زکریا دانش‌آموز صنف ۱۲ مکتب حیدرآباد بود.

منبع افزوده است که دلیل خودکشی وی معلوم نیست.

مقام‌های محلی طالبان در بامیان تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که سه روز پیش نیز یک جوان ۲۲ ساله به نام لایق سلطانی، باشنده روستای سیاه‌خاک مرکز بامیان، خود را حلقه‌آویز کرده و به زنده‌گی‌اش پایان داد.

گفتنی است که در یک رویداد دیگر یک جوان ۲۵ ساله امروز (یکشنبه، ۲۶ حمل) در ولسوالی تیوره ولایت غور، خودکشی کرد.



۸صبح، بامیان: منابع محلی در ولایت بامیان می‌گویند که یک پسر نوجوان که دانش‌آموز صنف ۱۲ مکتب بود، خود را حلقه‌آویز کرده و به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که پسری به نام زکریا، باشنده روستای خوال از مربوطات مرکز بامیان، روز یکشنبه، ۲۷ حمل، خودکشی کرده است.

بارش شدید ژاله در خوست خسارات مالی وارد کرده است



گفتنی است که در جریان یک ماه اخیر، این سومین بار است که بارش ژاله در مرکز و چند ولسوالی این ولایت، کشاورزان را زیان‌مند می‌سازد.

این در حالی است که ریاست هواشناسی وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی زیر مدیریت طالبان از وقوع باران شدید، برف‌باری، رعدوبرق و سرازیر شدن سیلاب در ۲۶ ولایت افغانستان هشدار داده است.

۸صبح، خوست: باشنده‌گان ولایت خوست از بارش شدید ژاله و وارد شدن خسارات سنگین بر کشاورزان در این ولایت خبر می‌دهند.

باشنده‌گان ولسوالی تنی ولایت خوست می‌گویند که پس از چاشت یکشنبه، ۲۷ حمل، بارش سنگین ژاله در این ولسوالی به کشت‌زارهای گندم، سبزیجات و باغ‌های میوه این ولسوالی سخت آسیب رسانده است.

آنان تاکید دارند که بارش ژاله در این ولسوالی هزاران جریب کشت‌زارهای گندم و باغ میوه این ولایت را سخت متضرر کرده است.

کشاورزان به روزنامه ۸صبح می‌گویند که بارش ژاله، زحمات آنان را با خاک یکسان کرده است و در فصل برداشت، آنان هیچ نوع حاصل به دست نخواهند آورد.

شهروندان از توقف دوباره توزیع پاسپورت نگران اند



فهم امین

نمود کار، امنیت و ثبات سیاسی و وضع محدودیت‌های روزافزون از سوی طالبان بر شهروندان، از علت‌های اساسی خروج شهروندان از کشور دانسته می‌شود.

در این فورمه نوشته است: «تاریخ مراجعه شما بعداً مشخص می‌گردد. برای معلومات بیشتر اطلاعاتی وبسایت دنبال گردد.» ریاست پاسپورت در کابل همچنان از مراجعان خواسته است که قبل از مشخص شدن تاریخ به این نهاد مراجعه نکنند.

حمیدالله با ابراز نگرانی از وضعیت اقتصادی و سیاسی در کشور، توضیح می‌دهد که قصد دارد با خانواده‌اش به یکی از کشورهای همسایه سفر کند، اما آن‌چه پای او را در کابل میخ کوب کرده، نبود پاسپورت است. این متقاضی پاسپورت می‌گوید: «یک سال است که منتظر هستم. زور ما به پیسه کمیشن کار نمی‌کشد. هفته‌ای یک بار حتماً سایت ریاست پاسپورت را چک می‌کنم، هیچ نیست که تاریخ بزنند.» حمیدالله که قبلاً شرکت لوجستیکي داشت و اکنون بیکار است، می‌افزاید: «باز می‌گویند که ریاست بسته می‌شود. کتابچه‌های ده‌ساله خلاص شده و مجبور در همین بیکاری‌ها یکی دو سال دیگر را هم تیر کنیم.»

همچنان عصمت‌الله، متقاضی دیگر پاسپورت، می‌گوید که در تابستان سال گذشته برای دریافت

روند توزیع پاسپورت در کابل و شماری از ولایت‌های کشور پس از حدود پنج ماه توقف، به تاریخ ۱۰ حوت سال گذشته خورشیدی از سر گرفته شد. ریاست پاسپورت زیر اداره طالبان اعلام کرده که در حال حاضر روزانه حدود ۱۰ هزار جلد پاسپورت به متقاضیان توزیع می‌شود. متقاضیان اما با توجه به کندی روند توزیع، از توقف دوباره این روند نگران‌اند. به گفته آنان، گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که کتابچه‌های سفید پاسپورت رو به اتمام است و روند توزیع آن به‌زودی متوقف خواهد شد. همچنان افرادی که سال گذشته برای دریافت پاسپورت درخواست داده‌اند، تاکنون موفق به دریافت آن نشده‌اند. آنان از مقام‌های طالبان می‌خواهند تا در قسمت وجود پاسپورت به آنان اطمینان بدهند.

حمیدالله و خانواده‌اش در اواخر ماه رمضان سال گذشته خورشیدی فورمه آنلاین پاسپورت را خانه‌پری کرده‌اند، اما تاکنون نوبت مراجعه آنان به ریاست پاسپورت مشخص نشده است. حمیدالله فورمه ثبت نام آنلاین را با روزنامه ۸ صبح در میان گذاشته است.

پاسپورت‌ها در کشور لیتوانیا چاپ شده و قرار است که انتقال شوند و برای انتقال آن هم صحبت شده است و در روزهای آینده به کشور می‌رسند و به‌گونه کامل این مشکل حل خواهد شد. ریاست پاسپورت و مقام‌های طالبان تاکنون از رسیدن همه این کتابچه‌های سفید پاسپورت به کشور، اطمینان نداده‌اند.

این در حالی است که با روی کار آمدن رژیم طالبان در کشور، روند توزیع پاسپورت برای سه بار به‌گونه موقت، متوقف و از سر گرفته شده است. در تازه‌ترین مورد، روند توزیع پاسپورت از ماه میزان سال گذشته تا دهم حوت برای پنج ماه متوقف بود. هرچند طالبان علت توقف این روند را وجود «مشکل تخنیکي» اعلام کردند، اما منابعی از ریاست پاسپورت به رسانه‌ها گفتند که اختلاف مقام‌های طالبان روی تصاحب کرسی این ریاست و کاهش کتابچه‌های سفید پاسپورت از دلایلی‌اند که روند توزیع این سند را متوقف ساخته است.

از سوی دیگر، نشریه امریکایی «فارن پالیسی» به نقل از دیپلمات‌های افغانستان در بیرون از کشور گزارش داده است که حدود سه میلیون جلد پاسپورت سفید افغانستان در انباری کشور لیتوانیا نگه‌داری می‌شود. طبق گزارش این نشریه، مقام‌های حکومت لیتوانیا حاضر نیستند این کتابچه‌های پاسپورت را در اختیار طالبان قرار دهند. مقام‌های طالبان تاکنون در این باره ابراز نظر نکرده‌اند.

کندی در روند پاسپورت در کابل و ولایت‌ها و نبود کتابچه سفید پاسپورت نزد نماینده‌گی‌های سیاسی افغانستان در بیرون از کشور، مشکلات زیادی را برای شهروندان به بار آورده است. سفارت‌ها و کنسول‌گری‌های افغانستان در شماری از کشورها با نصب یک برچسب پاسپورت‌های فاقد اعتبار زمانی را تمدید می‌کنند، اما بیشتر کشورها این برچسب را معتبر نمی‌پندارند و برحسب آن برای دارنده‌گان پاسپورت‌های افغانستان ویزا صادر نمی‌کنند.

پاسپورت درخواست داده بود، اما تاکنون موفق به دریافت این سند نشده است. او می‌افزاید که با عریضه چاپی و اسناد پزشکی بارها به ریاست پاسپورت مراجعه کرده، اما نتیجه نگرفته است. عصمت‌الله که دریافت پاسپورت را حق شهروندی خود می‌داند، علاوه می‌کند: «در زمان جمهوریت نهایت در یک هفته پاسپورت داده می‌شد. حالا اگر پیسه بدهیم، پاسپورت را پشت خانه می‌آورند و اگر پیسه ندهیم، کسی سند ما را نمی‌خواند.»

با سقوط نظام جمهوری، شمار متقاضیان پاسپورت در افغانستان به‌گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش یافت. نبود کار، امنیت و ثبات سیاسی و وضع محدودیت‌های روزافزون از سوی طالبان بر شهروندان، از علت‌های اساسی خروج شهروندان از کشور دانسته می‌شود. افزایش تقاضا برای دریافت پاسپورت، بازار کمیشن‌کاران را نیز گرم‌تر ساخته است. شماری از شهروندان ادعا دارند که نرخ پاسپورت اصلی در بازار سیاه به یک هزار و ۴۰۰ دالر رسیده بود.

با این‌همه، متقاضیان پاسپورت در حالی از توقف دوباره روند توزیع این سند نگران‌اند که گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که کتابچه‌های ده‌ساله پاسپورت رو به اتمام است. به گفته آنان، ریاست پاسپورت زیر اداره طالبان اکنون به توزیع کتابچه‌های پنج‌ساله روی آورده‌اند و روشن نیست که چه مقدار کتابچه سفید نزد این ریاست وجود دارد. مقام‌های وزارت داخله زیر اداره طالبان نیز در ماه جوزای سال گذشته خورشیدی کمبود کتابچه سفید نزد ریاست پاسپورت را تأیید کرده بودند. شفیع تسلی، سخنگوی ریاست پاسپورت، در آغاز ماه جوزای سال ۱۴۰۱ به رسانه‌ها گفته بود: «سه میلیون پاسپورت چاپ شده و پیسه آن را هم تحویل کرده‌ایم. گفت‌وگوها در این باره ختم شده است. این

بیداد فقر در جاده‌های کابل؛

نادر بیشتر روزهای هفته دست خالی برمی‌گردد

بهینیا



عقربه‌های ساعت ۱۱:۰۰ پیش از چاشت را نشان می‌دهد. هوای شهر کابل آفتابی است و پس از باران‌های پیه‌م، داغ‌تر و سوزناک‌تر به نظر می‌رسد. این روزها کسی از سردی هوا نمی‌نالد و همه برای کار و پیدا کردن نان از خانه بیرون شده‌اند. کودکان دست‌فروشی که حالا به نمای این شهر بدل شده‌اند، بیشتر از هر کس دیگری برای کسب درآمد در جاده‌های پایتخت تلاش می‌کنند و با خریدهای پلاستیکی و قوطی‌های اسفند به دنبال مردم راه می‌افتند. کراچی‌داران با کراچی‌های دستی‌شان که هیچ‌گاهی به خاطر ساختن آینده بهتر از آن خلاصی نیافته‌اند، در جلو دکان‌ها صف بسته و منتظرند تا باری را به سوی خانه‌ای حمل کنند. دکان‌داران میوه‌های خشک را برای عید فطر در معرض دید قرار داده و کارگران در کنار چوک‌ها صف بسته‌اند.

در میان همه کاسبان، پیرمردی توجهم را به خود جلب می‌کند که کفایش می‌کند. نامش نادر است و حدود ۷۵ سال دارد. او در گوشه‌ای از شهر خسته کابل نشسته است و برای رسیدن مشتری لحظه‌شماری می‌کند. با او وارد گفت‌وگو می‌شوم. می‌گویند چندین سال پیش برای تغییر وضعیت زندگی از روستا به شهر آمده تا کار بهتر از دهقانی داشته باشد، اما با این‌که عمرش در فقر و محرومیت گذشته، هنوز هم مجبور است کار کند و مصارف خانواده‌اش را فراهم آورد.

دوره جوانی نادر در کشوری سپری شده که همه شهروندان برای بهبود وضعیت اقتصادی تلاش

است، می‌گوید: «دیگر کاری از من بر نمی‌آید و مجبورم صبح تا شام در انتظار ۲۰ یا ۵۰ افغانی در این‌جا چشم به راه بمانم.»

این تنها نادر نیست که فقر گسترده دامن‌گیر حالش شده، بلکه همانند او هزاران شهروند دیگر کشور نیز از ناداری و تنگ‌دستی با شکم گرسنه و دست‌خوآن همیشه‌خالی شب و روز خود را می‌گذرانند. بیشتر کاسبان این روزها در پی پیدا کردن نان از خانه بیرون می‌شوند، اما شام بدون کسب دست‌مزدی به خانه برمی‌گردند.

چوک‌ها همانند همیشه آکنده از جوانان و پیرمردان کارگر است که چشم به راه نشسته‌اند تا کسی آنان را با خود سر کار ببرد. کارهای ساختمانی تا آخرین حد ممکن کاهش یافته و کسی نیست تا احوال کارگران سر چوک را بگیرد. دکان‌داران نیز مانند هر سال به پیش‌واز عید فطر میوه‌های خشک آورده و به دروازه‌های دکان‌شان چشم دوخته‌اند تا مشتری از راه برسد. اما آن‌چه روز بیشتر کارگران این شهر را بدون دست‌مزد شام می‌کند، جیب‌های خالی شهروندان است که پس از حاکمیت طالبان خالی‌تر شده است. از چهره شهروندان خسته چنین برمی‌آید که خوشی‌ها از این دیار فرار کرده است.

آن‌چنانی که کاسبان می‌گویند، سلیقه‌های جانبی کنار گذاشته شده و همه تلاش دارند از هیولای فقر و ناداری در امان بمانند. پس از رسیدن طالبان به قدرت، میزان فقر و تنگ‌دستی در افغانستان با گذشت هر روز بیشتر می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی نیز گسترش فقر در افغانستان زیر حاکمیت طالبان را تأیید می‌کنند. دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوچا) از افزایش فقر در افغانستان هشدار داده و گفته است که در حال حاضر حدود ۹۰ درصد شهروندان افغانستان غذای کافی برای خوردن ندارند.

خالی با اعضای خانواده‌اش بنشیند. سختی روزگار آن‌قدر دست این پیرمرد را تنگ ساخته که او مجبور شده غرفه چوبی‌اش را بفروشد و خودش بدون هیچ سرپناهی گرمی آفتاب و سردی زمستان را در کنار جاده تحمل کند و به کارش ادامه دهد. نادر که حالا دست‌رنجش حتا شکم گرسنه خانواده‌اش را نیز سیر کرده نمی‌تواند، از ذخیره کردن پول برای خرید یک غرفه دیگر کاملاً دست برداشته است. او توضیح می‌دهد که اگر در کنار جاده غرفه تازه بسازد، مجبور است به طالبان نیز مالیه بدهد؛ کاری که از توانش بر نمی‌آید.

نادر پسر ندارد، بلکه دو دختر جوان دارد که هر دو پس از پایان تحصیل خانه‌نشین شده‌اند و اکنون در کنار مادرشان روزهای دشواری را سپری می‌کنند. طالبان در جریان ۲۰ ماه گذشته پیوسته بر زنان محدودیت وضع کرده‌اند. این گروه نه‌تنها از زنان حق کار را گرفته، بلکه آنانی که شاغل بودند را نیز به خانه‌نشینی سوق داده‌اند. به همین دلیل است که نادر سال‌های سال باید یک‌تنه کار کند و نفقه خانواده‌اش را فراهم آورد. در جریان صحبت، گاهی از وضعیت رقت‌بار زنده‌گی خانواده‌اش در زیر حاکمیت طالبان یاد می‌کند و می‌گوید که کاش خدا در کنار دو دختر، برایش یک پسر نیز اعطا می‌کرد تا در روزهای سخت پیری در جامعه مردانه افغانستان زیر کنترل طالبان دستگیر پدر می‌بود و اکنون به جای پدر ناتوانش مخارج خانه را مهیا می‌کرد. نادر که اکنون نیروی کار در وجودش باقی نمانده

می‌کنند، اما کمتر به این آرزو می‌رسند. نادر برای تامین مخارج خانواده چهارنفری‌اش همه‌روزه راس ساعت ۷:۰۰ بامداد خود را به محل کار می‌رساند تا مشتری را از دست ندهد. از فضای روزگار حالا کمتر کسی نزد او برای رنگ کردن بوت می‌آید. این پیرمرد می‌گوید: «از صبح تا شام این‌جا می‌مانم تا شاید کسی بوت بیاورد، ولی هیچ کس نمی‌آید. من یک قیران هم به دست آورده نمی‌توانم.» آن‌چه نادر از آن بیشتر شکایت دارد، کرایه خانه است. او در یک خانه کرایه‌ی زنده‌گی می‌کند و مجبور است در پایان ماه یک مقدار پول به صاحب خانه بدهد. در روزهایی که بخت با نادر یار باشد، دو یا سه جوره بوت را دوره‌دو می‌کند که بابت آن ۵۰ یا ۱۰۰ افغانی به دست می‌آورد و شام می‌تواند به خانه‌اش نان ببرد، اما بیشتر روزها او همین مقدار پول را نیز به دست آورده نمی‌تواند. نادر می‌افزاید که برایش سخت است که بدون پول به خانه برگردد و دور دست‌خوآن

رفتن یا ماندن؛

سود و زیان حضور یوناما در افغانستان

محمدعلی نظری

یوناما می‌باید مساله رفتن یا ماندن را خیلی زودتر از این‌ها مطرح می‌کرد. وقتی پس از ورود طالبان به کابل، آنان اعتراض زنان را با گلوله پاسخ دادند و این حق بشری را لگدمال کردند، اما مامور دفاع از حقوق بشر (یوناما) کاری از دستش نیامد، باید از خود می‌پرسید که آیا در افغانستان زیر کنترل طالبان بماند یا برود. باید فکر می‌کرد که حضورش موثر است یا نه. شاید آن وقت خیلی زود بود و یوناما هم مانند بسیاری از مردم افغانستان شکار این بازی تبلیغاتی شده بود که گویا طالبان تغییر کرده و به ارزش‌های انسانی و مدنی باورمند شده‌اند و می‌پنداشت که اندکی زمان می‌تواند این گروه را به تعهداتش برگرداند. پس از آن هم فرصت‌های بسیاری برای اندیشیدن به این سوال خلق شد، از جمله زمانی که جان ساپکو به تاریخ ۱۴ دلو سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل گزارش داد که کمک‌های بشردوستانه ممکن ناخواسته طالبان را تقویت کند، یا در همان اوایل، زمانی که صلاحیت تهیه فهرست واجدان شرایط دریافت کمک‌های بشردوستانه را این گروه در اختیار گرفت، یا هم زمانی که گروه‌گروه مردم از نقاط مشخص افغانستان به

انسانی برایش تعریف شده است. اگر ماندن این نهاد به قیمت زیر پا گذاشتن ارزش‌های حقوق بشری باشد، حتا دیگر توجیهی برای خود پیدا نمی‌تواند. سازمان ملل با همان منشور و کنوانسیون‌هایش سازمان ملل است و در صورتی که آن‌ها نادیده گرفته شوند، دیگر ماهیتش را از دست می‌دهد. در صورتی که این نهاد نتواند از مردم افغانستان دفاع کند یا ارزش‌های انسانی و حقوق بشر را مورد حمایت قرار دهد، پس بودنش منطقی ندارد. جمع‌آوری کمک از کشورها و تزریق آن به طالبان - و البته توزیع بخشی از آن به مردم، آن هم مطابق میل طالبان - توجیه خوبی برای ادامه ماموریت دفتر معاونت سازمان ملل متحد بوده نمی‌تواند؛ زیرا در این صورت خیرش کمتر از شرش (چاق کردن طالبان) برای مردم عام افغانستان است.

طرح این سوال که آیا در افغانستان زیر کنترل طالبان به کارش ادامه دهد یا به ارزش‌های حقوق بشری وفادار بماند، از سوی یک نهاد مدافع حقوق بشر، همراه‌کننده است. مگر می‌شود مدافع حقوق بشر با زیر پا گذاشتن ارزش‌های حقوق بشری، ماموریتش را انجام دهد؟ پاسخ قطعاً «نه» است.



یوناما به تاریخ ۱۱ اپریل اعلامیه‌ای را در صفحه فیس‌بوکش به نشر رسانده است. در این اعلامیه، به نقل از هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه در افغانستان، کارمندان زن در سازمان ملل متحد را «کارمندان طبقه انث سازمان ملل» خطاب کرده است. کاربرد واژه‌ها در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های نهادها، همیشه مورد دقت قرار دارد؛ به این دلیل که هر کدام از آن‌ها اگر به دقت انتخاب نشود، ممکن به‌درستی موضع سازمان یا نهاد را نشان ندهد و در مواردی سوءتفاهم خلق کند. کاربرد این واژه‌ها، از نظر نشانه‌شناسی نیز حایز اهمیت است. وقتی یوناما به‌عنوان نماینده سازمان ملل متحد در افغانستان با کاربرد عبارت «طبقه انث» برای زنان،

دلایل قومی و مذهبی کوچ اجباری داده شدند. طالبان گاه تند و گاه آهسته حقوق بشر را مورد تعرض قرار داده‌اند. در هیچ موردی یوناما که ماموریت دفاع از حقوق بشر را دارد، نتوانسته تکلیفش را به‌خوبی ادا کند. وقتی ابتدایی‌ترین حق بشر یعنی حق زنده‌گی توسط طالبان از مردم افغانستان سلب می‌شود و دست‌دسته انسان‌ها با دستان بسته گلوله‌باران شدند و یوناما کاری نتوانست، بهتر بود به رفتن یا ماندنش فکر می‌کرد. وقتی اقلیت‌های دینی و مذهبی از همه عرصه‌های حکومت‌داری و سیاسی کنار زده شدند، یا زمانی که فقه جعفری از رسمیت افتاد، یا هنگامی که زنان یکی پی دیگر آزادی‌های‌شان را از دست دادند، این سوال بزرگ و مهم را از خود می‌پرسید.

تا حال کارنامه یوناما مثبت نبوده است. این نهاد در نظر بخشی بزرگ از مردم افغانستان، به‌عنوان شعبه‌ای برای ترمیم وجهه طالبان عمل کرده است. همان اعتمادی که باید به یوناما به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی و مربوط سازمان ملل متحد وجود می‌داشت، دیده نمی‌شود. عمل‌کرد نزدیک به دو سال یوناما، پس از سلطه طالبان، از این نهاد چیزی ساخته است که مردم در سیمای آن سازمان ملل و مدافع حقوق بشر را نمی‌توانند ببینند. برای همین، اتهام این که یوناما به مهمان‌خانه طالبان تبدیل شده، از سوی زنان معترض بر این نهاد وارد شده است. حالا که در اعلامیه خود از مشورت و رای‌زنی برای ماندن در افغانستان و ادامه دادن به حمایت از مردم یا رفتن و وفادار ماندن به ارزش‌های حقوق بشری سخن گفته است، به نظر من پاسخ باید روشن باشد. اگر نهادی به نام یوناما وجود دارد، فلسفه وجودی‌اش همان ماموریتی است که در دفاع از مردم افغانستان - نه طالبان به‌عنوان دستگاه سرکوب و شکنجه - و حمایت از حقوق بشر و ارزش‌های

تا حال کارنامه یوناما مثبت نبوده

است. این نهاد در نظر بخشی

بزرگ از مردم افغانستان،

به‌عنوان شعبه‌ای برای ترمیم

وجهه طالبان عمل کرده است.

همان اعتمادی که باید به یوناما

به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی و

مربوط سازمان ملل متحد وجود

می‌داشت، دیده نمی‌شود.

عمل‌کرد نزدیک به دو سال یوناما،

پس از سلطه طالبان، از این نهاد

چیزی ساخته است که مردم در

سیمای آن سازمان ملل و مدافع

حقوق بشر را نمی‌توانند ببینند.

برای همین، اتهام این‌که یوناما

به‌همان‌خانه طالبان تبدیل شده،

از سوی زنان معترض بر این نهاد

وارد شده است.

انسان‌ها را به طبقات تقسیم‌بندی می‌کند، نوعی چراغ سبز نشان دادن به تفکر افراطی و طالبانی است که زنان را در طبقه‌ای پایین‌تر از مردان جای می‌دهد. یا مثلاً خانم روزا اوتنباویا، رییس یوناما، وقتی می‌خواهد یک مقام درجه سوم گروه طالبان (مولوی عبدالکبیر) را ملاقات کند، حجاب مورد نظر این گروه را رعایت می‌کند، در حالی که در مواقع دیگر آن حجاب را ندارد. انتخاب حجاب، یک امر اختیاری است و اگر خانم اوتنباویا همیشه زنی محجوب می‌بود، محل بحث نداشت، همان‌طور که این مورد در رابطه به حجاب خانم امینه محمد محل بحث ندارد. این‌جا اما تن دادن اوتنباویا به اجبار طالبان است. در حالی که معاون وزیر خارجه پاکستان در سفر به کابل، حجاب اجباری طالبانی را نمی‌پذیرد، اوتنباویا نیز می‌تواند چنین کاری را بکند. تن دادن رییس هیات معاونت سازمان ملل متحد به حجاب اجباری طالبان، پیام ناامیدکننده‌ای را به زنان افغانستان، به‌خصوص زنان معترض به حجاب اجباری، مخابره می‌کند. این پیام، پر از اجبار و ضعف است. این پیام، زیر دل زنان باشهامت معترض را خالی می‌کند و به آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم می‌گوید که از «حق انتخاب حجاب» بگذرید. این پیام توسط کسی مخابره می‌شود که مسوولیتش حراست از حقوق بشر است.

از سوی دیگر، یوناما در نزدیک به دو سال اخیر، میان زنان هم تفکیک قایل شده و به برخی از آن‌ها نسبت به دیگران، اهمیت بیشتری داده است. مرور صفحه فیس‌بوک یوناما نشان می‌دهد که واکنش‌های این نهاد وقتی زنان از کار در ادارات دولتی منع شدند، خیلی جدی نبوده است. لحن جدی اعلامیه اخیر این سازمان پس از ممانعت کار زنان در نهادهای مربوط به سازمان ملل را در اعلامیه‌های قبلی نمی‌بینیم. این دوگانه برخورد کردن، نشان از این دارد که برای مسوولان یوناما برخی انسان‌اند و برخی انسان‌تر. به همین ترتیب، حقوق برخی از افراد قابل دفاع است و حقوق افرادی دیگر، قابل دفاع‌تر. همان‌گونه که در کاربرد واژه‌ها از سوی این سازمان، با انسان‌های طبقه‌بندی‌شده مواجه می‌شویم، در عمل‌کردش نیز آن را مشاهده می‌کنیم. اگر جدیت لحن اعلامیه‌های این نهاد در همان آوان وضع محدودیت علیه زنان وجود می‌داشت و این نهاد در مواجهه با طالبان کرنش نشان نمی‌داد، شاید امروز به این دوراهی انتخاب بین ماندن و زیر پا کردن اصول و قواعد بشردوستانه یا رفتن و پشت کردن به مردم افغانستان، نمی‌رسید. در آن صورت، این سوال که از بنیاد اشتباه و همراه‌کننده است، مجال طرح شدن نمی‌یافت.

با توجه به آن‌چه گفته شد، اکنون که زمان تصمیم‌گیری رسیده، خوب است که یوناما کامیابی‌ها و

ناکامی‌هایش در افغانستان زیر سلطه طالبان را سبک و سنگین کند و تصمیم خردمندانه بگیرد. از نظر من، تا حال این نهاد موفقیت چشم‌گیری در هیچ عرصه‌ای نداشته است. خود این نهاد هم به برخورد دوگانه با دو طرف جنگ جاری در کشور متهم شده است. بارها سیاست‌مداران مخالف طالبان گفته‌اند که این نهاد با آن‌ها ارتباط برقرار نمی‌کند. حتا این رفتار باعث شد که حزب جمعیت اسلامی به دبیر کل سازمان ملل نامه بنویسد و یوناما را به «عیب‌پوشی طالبان» متهم کند. یکی از مهم‌ترین ادعاهای جمعیت اسلامی، این است که گزارش‌های «غیرمعیاری» و «غیرواقعی» یوناما به شورای امنیت سازمان ملل، مستقیم یا غیرمستقیم به عادی‌سازی وضعیت ناگوار در کشور کمک کرده است. این اتهام قرین واقعیت به نظر می‌رسد. به‌صورت نمونه، وقتی مارکوس پوتزل، سرپرست پیشین یوناما، به این شورا گزارشش را ارایه کرد، با این جمله شروع کرد که وضعیت در افغانستان بهبود یافته، هرچند سرعتش کند است. این در حالی بود که همان زمان نیز کوچ اجباری صورت می‌گرفت، جنایات جنگی از جمله کشتن اسیران در برابر دوربین‌های تلفن‌های هوشمند طالبان ارتکاب می‌یافت و در فضای مجازی نشر می‌شد، زنان و اقلیت‌های قومی پیوسته از حقوق‌شان محروم می‌شدند و وضعیت بشری در کل وخیم بود.

موردی که فعلاً یوناما آن را ماموریت اصلی خود تعریف می‌کند، مساله جمع‌آوری کمک و توزیع آن در افغانستان است. در امر جمع‌آوری کمک، یوناما موفق بود (به جز سال جاری میلادی)، اما نتوانست آن را به مردم بی‌بضاعت و نیازمند برساند. به جای آن، پول را به‌نجوی در اختیار طالبان قرار داد. این پول به جای این‌که دست‌خوران مردم را پر کند، جیب طالب را پر کرد و به پایه‌های قدرت این گروه استحکام بخشید. حتا پرداخت معاش داکتران و معلمان از سوی سازمان ملل، به نوعی کمک به خزانه رژیم طالبان است و باعث طولانی شدن عمر رژیم و درد سر مردم می‌شود.

همان مقدار کمکی که بین مردم توزیع می‌شود، هم توسط طالبان مدیریت می‌گردد. فهرست افراد واجد شرایط توسط وکیل گذر و ملای مسجد زیر کنترل ناحیه شهرداری تهیه می‌شود. این در حالی است که ملای مسجد توسط طالب انتخاب می‌شود و از وزارت حج و اوقاف زیر کنترل طالبان معاش می‌گیرد؛ یعنی مامور رژیم طالبان است. وکلای گذر هم قبلاً انتخابی بودند، اما گزارش‌هایی وجود دارد که طالبان آن‌ها را سلب صلاحیت کرده و خود وکیل انتصاب کرده‌اند. در نهایت این فهرست از سوی ملای مسجد (مامور رژیم طالبان)، وکیل گذر (انتصاب شده طالبان) و زیر نظر رییس ناحیه طالبان تهیه می‌شود. حتا در مواردی از باج‌گیری طالبان از سازمان‌های امداد‌رسان نیز گزارش شده است. از غور هم گزارش شده که طالبان کمک‌های توزیع‌شده از سوی سازمان‌های امداد‌رسان را از مردم به زور جمع‌آوری کرده‌اند. مردم هم فغان دارند که کمک‌ها به افراد مستحق نمی‌رسد و طالبان آن را به جنگ‌جویان و اقارب خود توزیع می‌کنند. بنابراین یوناما در ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ کمک جمع‌آوری کرد، ولی این کمک‌ها به جیب طالبان رفت که خود عامل تشدید فقر هستند. در حقیقت، افتادن این کمک‌ها به دست طالبان، عمر رژیم این گروه را و به تبع آن فقر جامعه را طولانی‌تر می‌سازد. با توجه به این وضعیت، بدیهی است که کارکرد یوناما در عرصه توزیع کمک‌ها یا نظارت بر آن، نیز ناکام است.

بنابراین، ادامه کار یوناما با همین مسوولان و همین سیاست‌کرش و باج‌دهی به طالبان، نه به نفع سازمان ملل و جامعه جهانی است و نه منافع و حقوق مردم افغانستان را تامین و حراست می‌تواند. اگر یوناما و دیگر نهادهای سازمان ملل بتوانند به مردم فقیر افغانستان کمک کنند، بدون این که به استحکام رژیم طالبان یاری رسانند، چنین ماموریتی هم قابل دفاع است و هم ضروری. در غیر این صورت، فقط بر وخامت اوضاع می‌افزایند. اگر کل واکنش یوناما در برابر نقض صریح حقوق ابتدایی بشر نشر اعلامیه است، همین کار را دفتر سازمان ملل از نیویارک هم می‌تواند. اعلامیه را می‌شود از هر جایی در صفحه فیس‌بوک نشر کرد.

علت آتش سوزی های پیهم در مکاتب پنجشیر چیست؟

چيست؟

۸ صبح، پنجشیر



باشندهگان محل میگویند که افراد طالبان به گونه «عمدی» مکاتب و زیربنای دولتی را آتش میزنند تا کودکان و جوانان این ولایت از آموزش محروم بمانند.

حق آموزش دختران، بسیار «عقبمانده و قابل نگرانی» عمیق است. آقای نظری می‌افزاید: «آتش‌سوزی‌های پیهم در مکاتب ولایت پنجشیر و چندین ساحه دیگر کشور، پرسش‌های زیادی را به بار آورده است که طالبان به‌عنوان گروه حاکم باید پاسخ بگویند. همچنان استفاده از مکاتب به‌عنوان پایگاه نظامی، نقض صریح حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که باربار از سوی طالبان صورت گرفته است.»

استفاده طالبان از مکاتب به‌عنوان سنگر نظامی طالبان پس از تسلط بر افغانستان افراد خود را در بیش از ۴۱ باب مکتب در بخش‌های مختلف ولایت پنجشیر، مستقر کرده‌اند. بر بنیاد گزارش‌ها، جنگ‌جویان طالب در زمستان‌های دو سال گذشته از میز و چوکی این مکتب‌ها به‌عنوان چوب سوخت استفاده می‌کردند.

یافته‌های سه ماه پیش یک نهاد حقوق بشری نشان می‌دهد که طالبان ساختمان چهار باب مکتب در ولسوالی شتل، هشت باب مکتب در غنابه، شش باب مکتب در رخه، پنج باب مکتب در دره، یک باب مکتب در آبشار، شش باب مکتب در بازارک، پنج باب مکتب در خنج و شش باب مکتب دیگر در ولسوالی پریان این ولایت را به سنگر نظامی تبدیل کرده‌اند. این فهرست توسط یکی از نهادهای معتبر حقوق بشری که از ذکر نامش در این گزارش خودداری می‌شود، بر بنیاد مصاحبه با ده‌ها باشنده محل، ترتیب شده است.

طبق این گزارش، شماری از باشندهگان پنجشیر ادعا کرده‌اند که جنگ‌جویان طالبان از میز و چوکی این مکتب‌ها به‌عنوان «چوب سوخت» استفاده می‌کنند.

همچنان بر بنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در حال حاضر در هر مکتب دولتی در پنجشیر بین ۲۵ تا ۱۰۰ جنگ‌جوی طالب مستقرند. طالبان اما حضور جنگ‌جویان این گروه در مکاتب را می‌پذیرند، اما آمار این نهاد را رد می‌کنند. به گفته مقام‌های محلی این گروه، در حال حاضر افراد آنان تنها در ۲۱ باب مکتب حضور دارند.

غلام‌ایشان حماس، رییس معارف طالبان برای ولایت پنجشیر، چندی پیش در صحبت با رسانه‌ها گفته است: «در ساختمان‌های ۳۵ مکتب در پنجشیر نظامیان [طالبان] مستقر بودند، اما اکنون این رقم به حدود ۲۱ مکتب کاهش یافته و سال آینده در ساختمان هیچ مکتبی نیروهای نظامی حضور نخواهند داشت.» رییس معارف طالبان در پنجشیر علت جابه‌جایی جنگ‌جویان این گروه در مکاتب را حضور گسترده نظامیان در این ولایت، عنوان کرده است.

منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که هم‌زمان با آغاز سال آموزشی ۱۴۰۲، تلاش‌های ریاست معارف پنجشیر زیر کنترل طالبان برای تخلیه مکاتب از جنگ‌جویان این گروه، به نتیجه نرسیده است. با این‌همه، باشندهگان پنجشیر خواستار تخلیه هر چه زودتر مکاتب از وجود جنگ‌جویان طالبانند. طالبان اما به دلیل درگیری‌های مسلحانه با نیروهای جبهه مقاومت ملی، هزاران نیروی نظامی خود را به پنجشیر اعزام کرده‌اند. شماری از این جنگ‌جویان در خانه‌های رهایشی باشندهگان محل، مکاتب دولتی و حتا مرکزهای صحنه جابه‌جا شده‌اند.

بر بنیاد گزارش‌های نشر شده، با فرارسیدن فصل بهار و گرم شدن هوا، صدها جنگ‌جوی تازه‌نفس طالبان به‌تازگی وارد پنجشیر شده و با جابه‌جایی در اماکن عامه برای سرکوب نیروهای جبهه مقاومت ملی به رهبری احمد مسعود و دیگر جبهات نظامی، آماده‌گی می‌گیرند.

۸:۰۰ دوشنبه شب اتفاق افتاد، ملا مسافر به نیروهایش دستور داد که مردم محل را از اطراف مکتب دور کنند. مولوی مسافر گفته بود که تاوان وسایل سوخته مکتب را خواهد پرداخت، اما تا هنوز پرداخت نکرده است.»

در آن زمان، جبهه مقاومت ملی به رهبری احمد مسعود با نشر خبرنامه‌ای نوشت که افراد طالبان این مکتب را به‌گونه عمدی آتش زده‌اند.

گفتنی است در ۲۳ جدی ۱۴۰۱ خانه شخصی و کتابخانه فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پنجشیر، در ولسوالی رخه ولایت پنجشیر در آتش سوخت. آن کتابخانه در پنج طبقه ساخته شده بود و چهار هزار جلد کتاب داشت. طالبان آن کتابخانه را به قرارگاه نظامی خود در ولسوالی رخه تبدیل کرده بودند.

واکنش‌ها به آتش‌سوزی‌ها در پنجشیر آتش‌سوزی‌های پیهم در ساختمان مکاتب، ریاست معارف و خانه وزیر عدلیه پنجشیر، واکنش‌های گسترده‌ای را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته است. شمار زیادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی وقوع این آتش‌سوزی‌ها در ولایت پنجشیر را اقدام‌های عمدی افراد طالبان توصیف می‌کنند. به گفته آنان، افراد طالبان از روی کینه و کدورتی که نسبت به باشندهگان این ولایت دارند، در پی تخریب مکاتب و زیربنای عامه‌اند.

در این میان، فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پنجشیر، در واکنش به انفجار ساختمان لیسه پسرانه «دشت ریوت» ولسوالی حصه اول پنجشیر، در توییتری نگاشت: «دشمنی با علم و تمدن سرشت طالب است.» آقای معنوی افزود: «چندی پیش کتابخانه ما را در پنجشیر سوختاندند و امروز مکتبی را آن‌جا منفجر کردند. همه مال و اموال را از خانه ما غارت کردند، حالا به ویرانی اماکن عامه رو آورده‌اند.»

افزون بر این، مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گویند که استفاده از مکاتب به‌عنوان پایگاه نظامی نقض صریح حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و افراد طالبان نباید در این ساختمان‌ها جابه‌جا شوند. محمدنعیم نظری، سرپرست این کمیسیون، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که رویکردهای طالبان در زمینه‌های محافظت از تاسیسات معارف، نصاب آموزشی، خلق محدودیت بر دانشجویان و مستفیدشوندهگان سیستم تعلیم و تربیه، به‌ویژه در زمینه محدودسازی

گرفته است که باشندهگان محل از طالبان خواسته بودند که مکتب را ترک کنند تا زمینه برگشت دانش‌آموزان به صنف‌های درسی فراهم شود.

عبدالله (نام مستعار) یکی از ساکنان ولسوالی حصه اول ولایت پنجشیر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «باشندهگان محل، شورای علما و مسوولان ریاست معارف هفته‌ها تلاش کرده بودند که طالبان جنگ‌جویان‌شان را از این مکتب بیرون کنند و قرار بود یک روز بعد تخلیه شود، اما یک روز پیش از آن، اول صدای شلیک گلوله از این مکتب شنیده شد و سپس صدای انفجار و دود از آن به آسمان بلند شد.» به گفته عبدالله، پس از تاکید مردم بر بیرون شدن جنگ‌جویان طالبان از این مکتب، افراد این گروه به‌گونه «عمدی» این مکتب را انفجار دادند. او می‌افزاید: «ساختمان مکتب به‌گونه کامل سوخته و هیچ چیزی از آن باقی نمانده است.»

مقام‌های محلی طالبان در پنجشیر، آتش‌سوزی در ساختمان این مکتب را تایید کردند، اما گفتند که آن رویداد ناشی از انفجار بالون گاز بوده است.

در یک رویداد مشابه، در دهم دلو سال گذشته خورشیدی ساختمان لیسه میرزا عبدالغفور در ولسوالی پریان ولایت پنجشیر آتش گرفت. طالبان از ساختمان آن مکتب به‌عنوان سنگر نظامی استفاده می‌کردند. شماری از باشندهگان محل آن آتش‌سوزی را ناشی از «بی‌احتیاطی» نیروهای طالبان دانستند و همچنان تذکر دادند که افراد طالبان به اهالی منطقه اجازه ندادند تا آتش را خاموش کنند.

ساختمان لیسه میرزا عبدالغفور یعقوبی در دو طبقه توسط تیم بازسازی ولایتی نیروهای خارجی (PRT) اعمار شده بود و نسبت به مکاتب دیگر، امکانات بیشتر و مجهزتری داشت. به نقل از منابع، تا رسیدن اطفاییه از مرکز ولایت پنجشیر، کتابخانه، اداره، لابراتوار و دیگر بخش‌های این مکتب به‌گونه کامل سوخته بود.

یکی از ساکنان محل که از ذکر نامش در این گزارش خودداری می‌شود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفته است: «در آن شب، مردم محل بخشی از وسایل ضروری را از مکتب بیرون کشیدند، اما ملا مسافر، فرمانده لوی طالبان، اجازه نداد تا میز و چوکی آن بیرون کشیده شود.» مولوی مسافر، فرمانده عمومی ارتش طالبان در ولایت پنجشیر است.

منبع اضافه کرده است: «پس از آتش‌سوزی که ساعت

در جریان چهار ماه گذشته چندین مکتب و ساختمان دولتی در پنجشیر و خانه‌هایی که زیر کنترل جنگ‌جویان طالبان قرار دارند، گواه آتش‌سوزی بوده‌اند. مسوولان محلی طالبان در پنجشیر وقوع این آتش‌سوزی‌ها را «تصادف» و «بی‌احتیاطی» جنگ‌جویان این گروه عنوان کرده‌اند. باشندهگان محل اما می‌گویند که افراد طالبان به‌گونه «عمدی» مکاتب و زیربنای دولتی را آتش می‌زنند تا کودکان و جوانان این ولایت از آموزش محروم بمانند. آنان همچنان از مقام‌های طالبان می‌خواهند که جنگ‌جویان خود را از مکتب‌ها بیرون کنند. مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز استقرار جنگ‌جویان طالبان در ساختمان مکاتب را نقض صریح حقوق بشردوستانه بین‌المللی توصیف می‌کنند و از طالبان می‌خواهند تا جنگ‌جویان خود را در پاسگاه‌های امنیتی مستقر کنند.

بر اساس گزارش‌ها، در جریان چهار ماه گذشته دست‌کم دو باب مکتب، ساختمان ریاست معارف و خانه فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پنجشیر، در پنجشیر دچار آتش‌سوزی شده است. این ساختمان‌ها در حالی دچار آتش‌سوزی شده که جنگ‌جویان طالبان نزدیک به دو سال می‌شود که در این ساختمان‌ها مستقرند.

در تازه‌ترین مورد، ساختمان ریاست معارف ولایت پنجشیر گواه آتش‌سوزی شد. این آتش‌سوزی حوالی ساعت ۶:۴۰ چهارشنبه شب، ۲۳ حمل، آغاز شد و حدود دو ساعت ادامه پیدا کرد. در پی این آتش‌سوزی، دفتر، سیستم مخابره (سرور) و وسایل مدیریت تکنولوژی معلوماتی این ریاست به‌طور کلی سوخته است. مهمان‌خانه و دو دفتر این ریاست نیز به‌گونه قسمی سوخته است. طبق اظهارات مقام‌های طالبان، آتش‌سوزی در ساختمان ریاست معارف پنجشیر دست‌کم سه‌ونیم میلیون افغانی زیان مالی وارد کرده است.

شماری از باشندهگان ولایت پنجشیر وقوع این آتش‌سوزی را «مشکوک» عنوان می‌کنند و می‌گویند که به شمول رییس معارف طالبان، چندین عضو دیگر این گروه از دفترهای این ریاست شب‌هنگام به‌عنوان «اتاق‌های خواب» استفاده می‌کنند. یک منبع در ریاست معارف پنجشیر زیر کنترل طالبان که از ذکر نامش خودداری می‌شود، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «رییس معارف با محافظانش از طرف شب در داخل دفترش می‌باشد؛ چون خانه‌اش در کابل است. هر بی‌نظمی که دل‌شان خواست، انجام می‌دهند. در حالی که معارف مکان وحشت نیست. شب رییس با چند تن دیگر مصروف نماز خواندن بودند که در اتاق دیگری آتش‌سوزی مشکوک رخ داد.»

مقام‌های محلی طالبان اما می‌گویند که این آتش‌سوزی در پی شارژی برق رخ داده است. پیش از این، جنگ‌جویان طالبان لیسه پسرانه دشت ریوت ولسوالی حصه اول ولایت پنجشیر را بامداد دوشنبه، ۱۴ حمل، انفجار دادند و به آتش کشیدند. جنگ‌جویان طالبان از این مکتب به‌عنوان قرارگاه نظامی کار می‌گرفتند. آن انفجار و آتش‌سوزی پس از آن صورت

امیر و الکدرایی، فرماندهانی که برای آزادی زمینند

امین کاوه



طراقت‌فرسای هندوکش را در کارنامه داشته‌اند.

و فهم بلند سیاسی و فرهنگی او از مسایل مورد مناقشه و منازعه در کشور است. این فرمانده، در کنار دانش سیاسی و نظامی، در همه سخنانش از تعهد به ارزش‌های انسانی، برابری، عدالت و آزادی سخن می‌زند؛ ارزش‌هایی که برای یک نظامی چون مرمی در هنگام جنگیدن ضروری است. او و همه هم‌زمانش در زمان حضور در صفوف نیروهای امنیتی دولت پنجشیر، از دشت‌های سوزان هلمند، از مبارزه بی‌امان با تروریستان و قاچاق‌بران مواد مخدر تا سرمایه‌جان‌سوز و خنکای

و صاحب سخن بودند. فرمانده اکمل امیر، یکی از نیروهای امنیتی پیشین بود که بسیار فصیح و بلیغ سخن می‌گفت. طالبان و سایر گروه‌های تروریستی را نه‌تنها در میدان‌های جنگ به چالش می‌کشید، بلکه از طریق گفت‌وگو و تربیون رسانه‌ها نیز داعیه آنان را زیر سوال می‌برد. جنگ این گروه را در مغایرت با ارزش‌های انسانی، اسلامی و میهنی می‌دانست. سخنرانی‌های جذاب، شنیدنی و پرمحتوای زیادی از او در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود که نشان‌دهنده دانش

در ارتش دولت پیشین، رزمنده‌گان و فرماندهان شجاع گم‌نام زیادی بودند. این فرماندهان دلیر دست‌کم دو دهه حضور قدرتمند در میدان‌های گرم و سرد نبرد علیه تروریسم داشتند. اکثریت آنان در سطوح تصمیم‌گیری جنگ نبوده‌اند، اما به‌عنوان سربازان ماهر، آبدیده و مجهز با دانش نظامی، در جنگ‌های گروهی و تهاجمی نقش برانزده داشتند. در کنار مهارت‌های نظامی، شمار زیادی از آن‌ها به مسایل مهم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتا علوم دینی تبحر لازم داشتند

سیاست مهم ترین عمل اجتماعی (۲)

یونس نگاه

در بخش اول این مقاله از ضرورت تحقیق در شناخت خود و اجتماع و ناگزیری سیاست گفته شد. با آن که انسان به دلیل توانایی ویژه در شناخت و زنده‌گی اجتماعی، موجود سیاسی است، اما هر انسان و در همه مراحل زنده‌گی در این عرصه نقش فعال و سازنده ندارد و از جایگاه سیاسی خود آگاه نیست، ابزار لازم سیاست‌ورزی در اختیار ندارد و عوامل سیاسی را که مسیر حیاتش را شکل می‌دهند به‌درستی نمی‌شناسد. ما بیشتر مواقع ناخودآگاه با رفتن به مسیره‌های ناشناخته و تحمیلی، چسبیدن به روزمره‌گی و اقتادن در موج‌های ناشی از عمل جمعی و آن‌چه از سوی گروه‌های سیاسی یا عوامل بیرونی تحمیل می‌گردد، نقش بازی می‌کنیم. نکته اساسی در این است که ما در انفعالی‌ترین حال نیز موجود سیاسی هستیم و در شکل‌دهی سمت‌وسوی سیاسی جامعه اثرگذاریم. از این رو هرچه منفعل باشیم، بیشتر به ابزار و بدتر از آن به کلاهی سیاسی بدل می‌شویم، در جبهاتی که به زنده‌گی و منافع ما ارتباط ندارد به حرکت می‌افتیم و در معاملاتی که به سود ما نیست، عرضه می‌شویم. حرکت‌های سیاسی محصول تحولات اجتماعی و اقتصادی است، ولی گاهی به دلیل نبود آگاهی لازم و فقدان نیروی سازمانده، تحولات اجتماعی به کج‌راه کشانده می‌شوند و حرکت‌ها به پخته‌گی نمی‌رسند. از این رو کسب آگاهی سیاسی، تلاش برای نشر آن و تبدیل خواسته‌های عمومی به پیام‌های روشن سیاسی، مسوولیت افراد و اقشار پیش‌تاز جامعه است. در شرایط کنونی، شناخت درست از وضعیت سیاسی کشور ماموریت اصلی کسانی است که در پی نجات‌اند. لازم است بدانیم که چه نیروهای فعال و کدام ظرفیت‌های بالقوه‌ای در کشور وجود دارد و چگونه می‌توان خواسته‌های عمومی و گاه مهم آزادی، عدالت، رفاه و صلح را به برنامه سیاسی بدل کرد و انگیزه پیکار را میان مردم خلق نمود. این شناخت در جریان کار سیاسی و تحقیق و گفت‌وگوی همراه آن به دست می‌آید و همیشه نسبی است. یعنی با گذشت زمان و با توجه به گسترش تماس و رابطه ما با میدان سیاست و مردم، پخته‌تر می‌شود. لازم است برای سمت‌دهی درست نیروی مردم و تلاش مبارزان، موانع و فرصت‌ها را شناسایی کنیم و از دشمنان مردم و عوامل بازدارنده در راه تحقق آرمان‌های مترقی سخن بگوییم.

در شرایط کنونی بازیگر اصلی سیاست افغانستان گروه طالبان است و نیروهای دیگر با چگونه‌گی واکنش به آن گروه شناخته می‌شوند. از این رو شناخت طالبان برای درک وضعیت افغانستان و این‌که چگونه و از کجا می‌توان راه ترقی را پی گرفت، نیاز است. از دیدگاه‌های طالبان، نقش مخرب آن گروه و روابطش با همسایه‌گان و گروه‌های تروریستی بسیار سخن گفته شده است. این‌جا می‌بینیم که ریشه‌های این گروه کجا است، چگونه ساختاری دارد، با جامعه چگونه ارتباط می‌گیرد، در کدام طیف قرار می‌گیرد و صاحب چه ویژه‌گی‌های سازمانی است که منجر به برتری کنونی‌اش شده است.

امروز طالبان حاکم‌اند و مواضع سیاسی نیروهای دیگر در واکنش به آن گروه مشخص می‌شود، اما مهم‌ترین ویژه‌گی این گروه واکنش است. طالبان در پی تحول نیستند، بلکه محصول درمانده‌گی و واکنش جامعه در برابر بیماری‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از مدیریت نادرست تحول‌اند. گروه‌های سیاسی تحول‌خواه برنامه و اساس‌نامه دارند و برای آینده پلان‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی طرح می‌کنند. آنان برای طبقات و اقشار جامعه نقش و جایگاه تعریف می‌کنند و اگر به قدرت برسند، قوانین وضع می‌کنند و پلان‌هایی برای اصلاح، تغییر و پیش‌رفت طرح می‌نمایند. طالبان در واکنش به پلان‌ها، برنامه‌ها، قوانین و اهداف سیاسی دیگران، یا در برابر مسیری که جامعه در کل به سوی تغییر پیموده و یا قصد پیمودن دارد، موضع می‌گیرند و می‌کوشند از آن طریق هویت سیاسی یابد. این کمیود طالبان در کوتاه‌مدت به قوت بدل شده و توانسته است در مواقع ضرورت از نارضایتی طیف‌های گوناگون جامعه بهره بگیرد، بی‌آن‌که خود راه‌حلی ارایه کند. اگر دور نرویم و به تجربه افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ توجه کنیم، متوجه می‌شویم که چگونه طالبان در باتلاق نارضایتی جامعه از بن‌بست رشد یافتند. در نبود نیروی سیاسی مترقی که بتواند راه بدیل ارایه کند، مردم شکار تبلیغات این گروه شدند و نیروهای



نقش تاجر را بازی می‌کنند و کارشان در جمع‌آوری محصولات گمرکی و حق‌الامتياز استخراجی با آن روش حریصانه به جمع‌آوری عشر و زکات و ارتزاق از درآمد دیگران که در مدارس رایج است، شباهت دارد. این نیز در کوتاه‌مدت باعث قوت طالبان شده و آن گروه را به سازمان سیاسی تاجران، قاچاق‌بران، رانت‌خواران و عشرگیران بدل کرده است.

نکته مهم این است که خیلی از رانت‌خواران، قاچاق‌بران، تاجران، غارت‌گران و انجوبازان دوران جمهوریت نیز به‌آسانی می‌توانند زیر چتر طالبان قرار گیرند. برای پیوستن آنان به طالبان، نیاز به تحول بنیادی در سیاست این گروه نیست، بلکه امارت طالبانی می‌تواند با تعدیلات سطحی سیاست‌هایش بخش بزرگی از زورمندان دوران جمهوریت را زیر چتر سیاه خود جای دهد. قدرت‌های خارجی متوجه این اشتراک طالبان و مخالفان «همه‌شمول‌خواه» شده بودند و انتظار داشتند که از طریق مذاکرات دوحه اجماعی در بازتوزیع قدرت و ثروت رانتی، تجاری و انجوبی فراهم سازند. کمپین وسیعی که برای تسلیمی دولت راه افتاده بود، دیدارهای پنهانی که بیشتر بازیگران قدرت‌مند دوران جمهوریت با نماینده‌گان طالب برگزار می‌کردند و تبلیغاتی که از تغییر طالبان می‌شد، ریشه در همین ظرفیت هم‌سوایی بین آنان و طالبان داشت. طالبان اگر به برخی قدرت‌مندان دوران جمهوری اسلامی در مالیات، محصولات گمرکی، استخراج معادن، قاچاق مواد مخدر و راه‌های دیگر ثروت‌اندوزی و استثمار گرسنه‌گان افغانستان سهم بدهند و مانع نشستن آنان بر صدر هرم‌های محلی قدرت (قومی، سمتی، مذهبی و زبانی) نشوند، دولت «همه‌شمول» شکل خواهد گرفت. اما کار تامین عدالت، آزادی‌های مدنی، انکشاف صنایع و خدمات و شکل‌گیری افغانستان مدرن و دموکرات همچنان با چالش‌های بنیادی مواجه خواهد بود. بیشتر مخالفان سطحی طالبان به‌آسانی می‌توانند در بدل منافع تجاری و گرفتن سهم در غارت، با مواضع ارتجاعی طالبان هم‌سو شوند. مثلاً اگر طالبان مکاتب دخترانه را با معرفی حجاب مدرسه‌ای و جراحی عقب‌گرایانه نصاب تعلیمی باز کنند و در کنار آن حاضر به برگزاری جرگه قدرت‌مندان، ریش‌سفیدان، زورمندان، تاجران و پول‌داران کلان برای معرفی اداره موقت شوند، خیلی از مخالفان همه‌شمول‌خواه به امارت طالبان خواهند پیوست، به‌خصوص اگر آن جرگه و اداره موقت مانع تحقیق در مورد منابع ملکیت‌ها و سرمایه‌های مخالفان شود و آنان را در برابر دعوای حقوقی اشخاص متضرر حفاظت کند. برخورد محتاطانه طالبان با دارایی‌های قدرت‌مندان دوران جمهوریت، بخشی از سیاست طالبان برای کنترل مخالفان است. طالبان که شعارهای دین و عدالت‌شان گوش ملت را کر کرده، به دارایی‌های قدرت‌مندان دوران جمهوریت دست نزده‌اند و آن‌ها را چون امانت الهی نگه داشته‌اند، ولی جان سربازان را هر جا لازم دیدند، چون رشفه و شبدر درو می‌کنند. برای حفاظت از قصرهای زورمندان محافظ‌توظیف کرده‌اند و خبری از آتش‌سوزی، تخریب و غصب دارایی‌های مشکوک تاجران، زورگیران و رشوت‌خواران نمی‌شنویم، در حالی که بارها مکاتب در پنجشیر، خوست و جاهای دیگر آتش زده شده‌اند، قریه‌ها و مزارع مردم در برخی مناطق غصب گردیده، خانه‌های مردم را «جن‌ها» سوختانده و کوچ اجباری و اعدام‌های صحرایی بسیاری اتفاق افتاده است. طالبان نیروهای مخالف قاچاق، اختطاف، زان‌دوزی، غارت و فساد نیستند، بلکه خود در آن بیماری‌های اقتصادی ریشه دارند و حافظ منافع غارت‌گران‌اند.

در ادامه ریشه‌های طالبان را بیشتر خواهیم کاوید.

از صفحه ۵

امیر و اندک‌روایی

تعهد به آزادی، استقلال و برابری همه شهروندان کشور در پرتو قانون و نظم مردم‌سالار، آن‌ها را واداشته بود تا بودن در میهن را با وجود سختی‌ها و چالش‌ها نسبت به رفتن به خارج و زنده‌گی در بساط امن‌تر، ترجیح بدهند. ویژه‌گی‌های بایسته یک نظامی کارکشته، فهیم و بادریات، در فرمانده امیر به‌وضوح دیده می‌شد. امیر در عین حال که علیه مخالفان و گروه‌های تروریستی می‌جنگید، اما صبورانه، دلسوزانه، عاقلانه و با تواضع در برابر آنان سخن می‌زد. نوارهای تصویری که از این فرمانده در فضای اجتماعی منتشر شده، حاکی از آن است که او حتا در مقابل دشمن جاننش، سخن به گزاف نمی‌گوید، جانب انصاف و کرامت انسانی را حفظ می‌کند و همه ارزش‌های حقوقی بشری را حتا برای یک مهاجم که در مقابلش می‌جنگد، رعایت می‌کند. از رفتار، کردار و گفتارش برمی‌آید که او در مقام دفاع از تمامیت ارضی، پیش از آن‌که به‌عنوان وظیفه جنگیده باشد، متکی بر عشق و علاقه به آب‌و‌خاک میهن و پیکار در راه حفظ ارزش‌ها و تامین عدالت اجتماعی جنگیده است.

بصیر اندرایی، فرمانده دیگری است که از سوی طالبان در سالنگ جنوبی کشته شده است. او پیش از سقوط نظام جمهوریت، از وظیفه برکنار شده بود. نگارنده او را در روزهایی که ولایت‌ها یکی پی دیگر سقوط می‌کردند، در یکی از مکان‌هایی که در آن روزها گفته می‌شد می‌تواند مرجع و مکان امید نیروهای ضد طالبان باشد، ملاقات کرده است. او از بی‌عدالتی، تبعیض و چنددسته‌گی در صفوف نیروهای امنیتی پیشین شکایت داشت. تجربه، شناخت جغرافیای جنگ و دانش نظامی‌اش از روی صحبت‌هایش به‌خوبی قابل تصور بود. او در اوج جنگ‌ها از این‌که از فرماندهی لوای ارتش در ولایت فراه برکنار شده بود، به‌شدت ناراحت بود. می‌گفت وقتی هم‌سنگرانش در میدان جنگ حضور دارند، نبودن در کنار آنان، علاوه بر این‌که مسوولیت ایمانی و وجدانی او را خدشه‌دار می‌سازد، از غرور نظامی، شجاعت سربازی و دانش عسکری‌اش نیز می‌کاهد و این برایش زجردهنده است.

فرمانده بصیر اندرایی در مرجعی که برای شکایت آمده بود، درخواست بسیج نیروهای ضد طالب را داشت. او می‌گفت که اگر چشم به انتظار نظام موجود با چنین بینش و کنش باشید، زود است که میهن به دست طالبان سقوط کند. او به‌درستی از سقوط نظام به دلیل دست‌اندازی‌های بیش از حد، بی‌جا و قوم‌گرایانه ارگ‌نشینان هشدار می‌داد. این فرمانده که سال‌های خونین را پشت سر گذاشته بود، از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق وظیفه انجام داده بود. تجربه جنگ تن‌به‌تن را با طالبان داشت.

او در آن مجلس روایت می‌کرد که وقتی نظامیان عملیاتی را راه‌اندازی می‌کنند، طالبان مردم را به گروگان می‌گیرند، در خانه‌های غیرنظامی پنهان می‌شوند و سپس آنان را مجبور می‌سازند که به مسوولان ارشد در کابل تماس بگیرند و از شیوه عملیات نظامی شکایت کنند.

در درازنای تاریخ بشر، ملت‌ها و دولت‌هایی که به سعادت رسیده و آزادی و برابری اجتماعی را به تجربه گرفته‌اند، روزهای دشواری را نیز پشت سر گذاشته‌اند. قهرمان‌های زیادی در طول تاریخ جان‌فشانی کرده و قربانی داده‌اند تا ملت‌ها به آسایش برسند. داعیه آزادی‌خواهی در میان همه ملل طولانی دارد. از سوی دیگر، انسان‌های بزرگی به سراغ آزادی رفته، برای نیل به آزادی متحمل رنج‌ها و مشقت‌های طاقت‌فرسا شده و جان و مال و همه هستی خود را در راه آن فدا کرده‌اند. امیرها و اندرایی‌های زیادی در طول دو دهه گذشته، در راه تامین امنیت، حفظ کرامت انسانی، تحقق ارزش‌های نوین و توسعه قربانی داده‌اند. اما آن‌چه خون این نیروهای رشید و اینارگر را می‌خشکاند و به داعیه و مبارزه آن‌ها لطمه وارد می‌کند، تجارت بر سر آرمان و خون آن‌ها است. هیچ کسی از هیچ آدرسی نباید بر سر آرمان‌های رهایی‌بخش این نیروها معامله و سوداگری کند. همه باید در مقابل گروهی بسیج شوند که کشور را به زندان بزرگ و سرباز تبدیل کرده و زنان را از همه عرصه‌های زنده‌گی جمعی پس رانده‌اند و کسی اختیار لباس پوشیدنش را ندارد.

سیاست‌های مقطعی، روستایی، خانواده‌گی و خام و مبارزه در صفوف پراکنده، نه‌تنها نمی‌تواند معضل کشور را به‌زودی حل کند، بلکه وضعیت را بفرغ‌تر خواهد کرد. امیر و اندرایی و هم‌زمان‌شان تا پای جان برای داعیه و آرمان‌شان جنگیدند و درس آزاده‌گی و رهایی را از خود به میراث گذاشتند.

مسئولیت گریزی و ریاکاری رهبر پرده نشین طالبان

فواد میرزایی

ریارکارانه و متظاهرانه بودن سخنان ملا هبت‌الله را از این هم می‌توان دریافت که اصولاً حکمرانی طالبان بر بنیاد اعراب و تهدید و خشونت گذاشته شده است. اگر فرضاً تصمیم به این گرفته شود که طالبان دست از خشونت و ایجاد ترس و وحشت در دل‌ها بکشند، حکومت‌شان به سرعت سقوط می‌کند. آن‌ها نه کار درخشانی در عرصه اقتصادی انجام داده‌اند و نه به آزادی‌های فردی و اجتماعی باور دارند و نه در حیطة فرهنگ و هنر کارنامه قابل قبولی عرضه کرده‌اند. بنابراین، مردم عادی به هیچ صورت از آن‌ها راضی نیستند و شیوه حکومت‌داری این گروه برای مردم جذابیتی ندارد. در چنین اوضاع و احوالی، بهترین و موثرترین راه برای غلبه بر نافرمانی‌های احتمالی، ایجاد ترس و وحشت است.



تباهی می‌شوند. او از این که اعضای طالبان، مردم را لت‌وتوکوب و شکنجه می‌کنند، انتقاد کرده و آن‌ها را از عواقب این کارها بر حذر داشته است. او تأکید کرده که حکومتی که رفتار ظالمانه داشته باشد، دوام نمی‌آورد. او اذعان کرده که اگر ظلم و کشتارهای بی‌محاکمه و قتل و انتقام‌جویی وجود داشته باشد، تباهی و فساد به وجود می‌آید و نظم از بین می‌رود.

در باب این پیام صوتی چند نکته را به اختصار می‌توان متذکر شد:

۱. تا کنون گزارش‌های موثق و مستند به وسیله رسانه‌های داخلی و خارجی در مورد کارنامه طالبان پس از رسیدن دوباره به قدرت به نشر رسیده است. وجه مشترک همه این گزارش‌ها این است که طالبان از زمان بازگشت به قدرت در ماه اسد ۱۴۰۰ خورشیدی، به‌صورت مداوم دست به اعمال جنایت‌کارانه زده و مرتکب نقض حقوق بشر شده‌اند. مطابق این گزارش‌ها، طالبان نسبت به اصناف مختلف مردم از نظامیان پیشین گرفته تا خبرنگاران و قضایان و کارمندان ملکی نظام جمهوری مرتکب نقض حقوق بشر شده‌اند و این گروه‌ها را زندانی و شکنجه یا حتی به قتل رسانده‌اند. با آن که نهادهای مختلف جهانی این رفتار طالبان را محکوم و تقبیح کرده‌اند، اما طبق معمول طالبان هیچ ارزشی به این محکوم کردن‌ها قایل نشده‌اند. نکته‌ای که قابل یادآوری است، این است که رهبر طالبان در بحبوحه ورود طالبان به پایتخت، فرمان عفو عمومی صادر کرد. با این اتفاقاتی که پس از آن فرمان روی داده، بیشتر ناظران به این باور رسیده‌اند که فرمان یادشده بیشتر از آن که جنبه عملی پیدا کند، از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای اغفال آنانی که از نظر طالبان مجرم شناخته می‌شوند، استفاده شده است. از قرائن برمی‌آید که هدف از صدور دست‌کم بعضی فرمان‌های ملا هبت‌الله بیش از این که اجرا شدن آن باشد، فریب‌کاری و دغل‌بازی و بازی با افکار عمومی چه در داخل کشور و چه در بیرون از آن است. مثلاً فرمان رهبر طالبان در مورد ممنوعیت کشت و قاچاق مواد مخدر نه‌تنها عملی نشد، بلکه آزادی‌های بیشتری برای قاچاق‌چیان فراهم آورد.

تقریباً دو سال است که طالبان قدرت را در افغانستان به دست گرفته‌اند، اما هنوز هم رهبر این گروه، ملا هبت‌الله آخوندزاده، پرده‌نشین است و حاضر نیست در برابر دوربین رسانه‌ای قرار گیرد. حتی سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله طالبان، نیز حاضر شده چهره خود را بنمایاند، ولی ملا هبت‌الله به چنین کاری تن نداده است. حقانی همان شخصی است که تا هنوز هم در فهرست افراد تحت تعقیب امریکا قرار دارد و برای سرش ۱۰ میلیون دالر جایزه در نظر گرفته شده است. فقط چیزی که حضور فیزیکی ملا هبت‌الله را تثبیت می‌کند، صدایی است که گاه‌گاهی از او در رسانه‌ها پخش می‌شود و دیدگاه‌های وی را به عموم مخاطبان می‌رساند. وجه مشترک این پیام‌های صوتی کوشش برای ارایه چهره‌ای معقول و ضد بی‌نظمی و مخالف با برخورد خشن با شهروندان و پای‌بند به اصول اخلاقی و دینی از رهبر طالبان است. قطعاً هبت‌الله آخوندزاده کتاب «شهریار» از نیکولا ماکیاوولی را نخوانده است. شیخ الحدیث دیوبندی نباید به این‌گونه کتاب‌ها دست بزند؛ چون ممکن است «آلوده» شود. با این حال، تظاهر او به نیکوکاری و دین‌داری و تقوا در عین قساوت و بی‌رحمی در عمل، دقیقاً عمل به همان توصیه‌ها و دستورهایی است که ماکیاوولی برای موفقیت یک سیاست‌مدار طرح کرده است. ماکیاوولی نوشته است: «شرافت و درست‌کاری همیشه زیان‌آور است. آن‌چه مفید است، این است که شخص به ظاهر پرهیزکار و معتقد و انسان و فداکار جلوه کند. هیچ چیز به اندازه یک ظاهر متقی و نیکوکار مفید نیست.» همچنین ماکیاوولی در موردی دیگر نوشته است: «مذهب برای یک دولت بسیار ضروری است، اما برای این که مردم را متقی و پرهیزکار بار آورد، بلکه برای این که تسلط بر ایشان را آسان سازد. حتی ممکن است وظیفه یک حاکم باشد که به رواج مذهبی که خودش به آن عقیده ندارد و آن را نادرست می‌شمارد، کمک کند.» در ادامه پیام‌های صوتی قبلی رهبر طالبان، به‌تازگی ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، پیامی صوتی از هبت‌الله آخوندزاده منتشر کرده که وی در آن به اعضای طالبان هشدار می‌دهد که رفتار خود را در برابر مردم اصلاح کنند، وگرنه گرفتار سقوط و

سوی طالبان به‌صورت سیستماتیک صورت می‌گیرد و مختص به افراد و دسته‌های خاصی در میان این گروه نیست. وزارت داخله، وزارت دفاع و ریاست استخبارات طالبان به‌گونه مداوم به منظور تضمین بقای حاکمیت رژیم این گروه، به نقض گسترده حقوق شهروندان اقدام می‌کنند و هیچ پروایی از کسی ندارند. همین اکنون شکنجه‌گاه‌های ریاست استخبارات و نیز زندان پل‌چرخ پرنده از آدم‌هایی که به بهانه‌های واهی مورد شکنجه‌های هولناک قرار گرفته و در مراحل بدعی محاکمه و زندانی شده‌اند. آیا ملا هبت‌الله دستگاه‌های امنیتی طالبان را دستگاه‌های خودش می‌داند که از او امرش تبعیت نمی‌کنند؟

۵. احتمال دارد که این اظهارات ملا هبت‌الله مصرف درون‌گروهی داشته باشد. احتمالاً هبت‌الله آخوندزاده با طرح این نصایح و ادعاها می‌خواهد مسوولیت جنایت علیه شهروندان را بر گردن سراج‌الدین حقانی، ملا یعقوب و عبدالحق وثیق بیندازد و به این وسیله آنان را تحت فشار قرار دهد و وادار به تمکین به فرمایشات خود کند. گزارش‌هایی از اختلاف‌ها میان رهبری طالبان در قندهار و مقام‌های ارشد این گروه در کابل به نشر رسیده است. گفته می‌شود که فرماندهان نظامی طالبان در سال ۲۰۱۶ و پس از کشته شدن ملا منصور، ملا هبت‌الله را به آن جهت به رهبری این گروه برگزیدند که شخصی کمترشناخته‌شده و از تجارب جنگ و نظامی‌گری به‌کلی بی‌بهره بود و تا آن زمان در بخش فتوا و قضای طالبان فعالیت کرده بود. این فرماندهان به این گمان بودند که با انتخاب ملا هبت‌الله به‌عنوان رهبر طالبان، از آزادی عمل و صلاحیت کاری بیشتری برخوردار خواهند داشت. در زمان انتخاب هبت‌الله به‌عنوان رهبر گروه طالبان، خبرگزاری فرانس پرس مدعی شد که رهبری وی بر طالبان نمادین خواهد بود و با این حال، ملا هبت‌الله حداقل در دو سال اخیر عملاً این موضوع را ثابت کرده که به تصاحب کامل قدرت علاقه‌مند است و مخالفت‌های درون‌گروهی را بر نمی‌تابد. عاملی که وی را در تصاحب کامل قدرت و خنثا کردن چالش‌های باری می‌رساند، جایگاه دینی‌ای است که وی از آن برخوردار است. وی پیش از آن که در سطح رهبری طالبان قرار گیرد، مدرس یکی از مدارس در پاکستان بوده و گفته می‌شود که «شیخ الحدیث» است. شیخ الحدیث لقبی است که به ملاحی شاخص و برجسته دیوبندی داده می‌شود. با همه این‌ها، چه اظهارات مورد بحث ملا هبت‌الله آخوندزاده مصرف درون‌گروهی داشته باشد و چه تلاشی برای فرار از مسوولیت و پاسخگویی باشد، مساله‌ای که اذعان به آن ضروری است، این است که طالبان در مدت دو سال از تسلط‌شان بر کشور، جنایت‌های پرشماری را در حق شهروندان بی‌پناه و بی‌گناه مرتکب شده‌اند. بعضی از این جنایت‌ها به حدی تکان‌دهنده و ترازیک است که به داستان‌های سورریال شبیه است تا وقایعی که عملاً در کشوری به نام افغانستان در حال روی دادن است. مراجع ذی‌ربط باید روی مستندسازی این جنایت‌ها تمرکز کنند و در حد وسع خود بکوشند چهره واقعی این گروه را بنمایانند. درست است که در حال حاضر ظاهراً سیاست‌های قدرت‌های بزرگ جهانی ایجاب می‌کند که طالب در قدرت باقی بماند، با وجود این، چرخ روزگار همیشه بر وفق مراد طالبان نمی‌چرخد و دیر یا زود زمانی فرا خواهد رسید که این مستندسازی‌ها به کار آید.

۲. در گذشته هم رهبر طالبان سخنانی با این لحن و محتوا بر زبان آورده است. او در سابق نیز چند بار طالبان را نصیحت‌های پدرا نه کرده و آنان را از پیامدهای کشتار افراد بی‌گناه و ظلم بر رعیت هشدار داده است. او به‌گونه‌ای حرف می‌زند که گویا وی هیچ نقشی در کشتار افراد بی‌گناه و شکنجه و ستم بر مردم ندارد. سوال این است که ملا هبت‌الله در سازمان طالبان چه کاره است؟ او چرا با آن که همه قدرت را در دست خود و اطرافیان قندهارنشینش متمرکز کرده، باز هم از دیگر اعضای طالبان انتقاد می‌کند و خود را میرا از هر گونه ظلم و اجحاف بر مردم می‌داند؟ رهبر طالبان در کوچک‌ترین مسایلی هم دخالت می‌کند و از جمله در مواردی حتا در تعیین کارمندان عادی دولت طالبان نقش داشته است، ولی در عین حال از رفتار طالبان در برابر مردم انتقاد می‌کند و آن را خلاف آموزه‌های دین می‌شمارد. پرسش اساسی این است که اگر رهبر طالبان به‌راستی در پی اصلاح رفتار طالبان است، چرا دست به اقدام عملی نمی‌زند و اشخاص نامطلوبی را که در آزار رساندن به مردم دست داشته‌اند مجازات نمی‌کند؟ تا کنون حتا یک مورد به ثبت نرسیده که رهبر طالبان یا دیگر مقام‌های این گروه، اشخاصی را که دست به قتل بی‌محاکمه افراد یا زندانی و شکنجه کردن آنان زده‌اند، به محکمه بسپارد. جنگ‌جویان طالبان به حدی از آزادی عمل برخوردارند که صحنه شکنجه و کشتار بی‌محاکمه افراد را فلم‌برداری می‌کنند و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند، بی‌آن که از پیامدهای کار خود هراسی به دل راه دهند.

۳. ریارکارانه و متظاهرانه بودن سخنان ملا هبت‌الله را از این هم می‌توان دریافت که اصولاً حکمرانی طالبان بر بنیاد اعراب و تهدید و خشونت گذاشته شده است. اگر فرضاً تصمیم به این گرفته شود که طالبان دست از خشونت و ایجاد ترس و وحشت در دل‌ها بکشند، حکومت‌شان به سرعت سقوط می‌کند. آن‌ها نه کار درخشانی در عرصه اقتصادی انجام داده‌اند و نه به آزادی‌های فردی و اجتماعی باور دارند و نه در حیطة فرهنگ و هنر کارنامه قابل قبولی عرضه کرده‌اند. بنابراین، مردم عادی به هیچ صورت از آن‌ها راضی نیستند و شیوه حکومت‌داری این گروه برای مردم جذابیتی ندارد. در چنین اوضاع و احوالی، بهترین و موثرترین راه برای غلبه بر نافرمانی‌های احتمالی، ایجاد ترس و وحشت است. تا کنون این شیوه برخورد با مردم جواب داده است. آینده روشن خواهد کرد که این روش تا چه وقت می‌تواند به بقای رژیم طالبان کمک کند.

۴. ملا هبت‌الله این سخنان را بیان می‌کند تا به دنیا نشان دهد که افراد و گروه‌هایی که دست به جنایت در حق شهروندان افغانستان می‌زنند، افراد و گروه‌های خودش هستند و ربطی به رهبری طالبان ندارند و در تضاد با دستورات رهبری این گروه عمل می‌کنند. اثبات نادرستی این ادعای رهبر طالبان نیازی به تلاش بسیار ندارد. نقض حقوق بشر از

مردان مسلح در مکزیک هفت تن را در یک پارک آبی کشتند

بربنیاد گزارش‌ها، در حمله افراد مسلح بر یک پارک آبی در مکزیک، هفت تن به‌شمول سه مرد، سه زن بزرگسال و یک کودک کشته شده‌اند. آژانس خبری فرانسه گزارش داده که این رویداد ناوقت روز شنبه، ۱۵ اپریل، در تفرجگاه شنای لاپالما در ایالت گواناخواتو رخ داده است. مقام‌های محلی در بیانیه‌ای گفته‌اند که گروهی از مردان مسلح با حمله بر یک پارک آبی، به‌سوی جمعیتی از مردم آتش گشودند و پس از آن با از بین بردن دوربین‌های مداربسته، از محل رویداد دور شده‌اند. ویدیوهای ضبط شده از سوی شاهدان پس از فرار مهاجمان، قربانیان را در روی زمین و چوکی‌ها نشان می‌دهد. هرچند هنوز هویت دقیق عاملان این حمله مشخص نیست، اما گواناخواتو اخیراً گواه خشونت‌های مرتبط با گروه‌های مافیای مواد مخدر بوده است.

وزیر خارجه اوکراین فردا وارد عراق می‌شود



مقام‌های عراقی اعلام کرده‌اند که دمیترو کوله‌با، وزیر امور خارجه اوکراین، برای نخستین بار پس از تهاجم نظامی روسیه و آغاز جنگ در کشورش، به عراق سفر می‌کند.

رسانه‌های بین‌المللی به نقل از احمد الصحاف، سخنگوی وزارت امور خارجه عراق، گزارش داده‌اند که دمیترو کوله‌با قرار است روز دوشنبه، ۱۷ اپریل، در این سفر با فواد حسین، همتای عراقی خود و محمدشعیب السودانی، نخست‌وزیر این کشور، دیدار و گفت‌وگو کند. هدف این سفر تقویت روابط دیپلماتیک میان عراق و اوکراین خوانده شده است. وزیر خارجه اوکراین در حالی به بغداد سفر می‌کند که نخست‌وزیر عراق و ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، یک هفته پیش گفت‌وگوی تلفنی داشتند. محمدشعیب السودانی، نخست‌وزیر عراق، در این تماس تلفنی، بر اهمیت دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز و پایان بحران در اوکراین تأکید کرده بود.

واکنش: مسکو در بوروکراسی غرق شده و می‌خواهد برای پایان جنگ با اوکراین مذاکره کند



یوگنی پریگوزین، رهبر شرکت امنیتی خصوصی واگنر، می‌گوید که ضد حمله اوکراین به دلیل «نخبه‌گان تنبل کرملین» می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. تلگراف روز یکشنبه، ۱۶ اپریل، از قول یوگنی گفته است که «دولت عمیق» مسکو «بوروکراسی غرق شده است» و می‌خواهد برای پایان جنگ مذاکره کند.

به گفته او، حمله متقابل اوکراین به دلیل ضعف ماشین جنگی کرملین، احتمالاً دفاع این کشور را از هم بپاشد.

این اظهارات نشان‌دهنده این است که ضد حمله قریب‌الوقوع ارتش اوکراین، ممکن بتواند برخی از مناطق از دست‌رفته در شرق این کشور را از کنترل روسیه خارج کند.

پریگوزین در مقاله‌ای که در فضای مجازی منتشر شده، گفته است: «ارتش اوکراین یک حمله متقابل را آغاز خواهد کرد و در جایی قادر خواهد بود از دفاع عبور کند.»

فرماندهان اوکراینی، ماه‌ها پیش بدون ذکر زمان دقیق و تاریخ آن، از یک ضد حمله در بهار امسال خبر داده بودند.

گفته می‌شود که این ضد حمله بر شهر تصرف‌شده‌ای «ملیتوبل» متمرکز شده که در چندکیلومتری جنوب خط مقدم نبرد و در امتداد رودخانه «دنیپرو» قرار دارد.

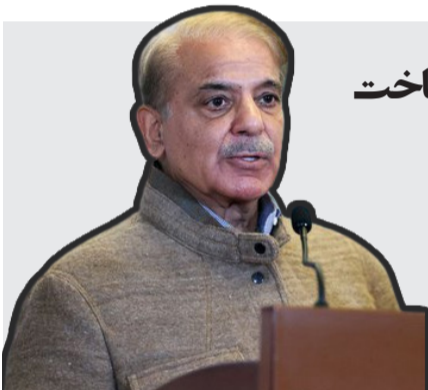
این منطقه نقطه وصل کریمه و دونباس، دو شهری که هم اکنون در کنترل نظامیان روسی است، عنوان می‌شود.

هرچند نیروهای روسی چندین کیلومتر خندق را در نزدیکی ملیتوبل حفر کرده‌اند، اما پریگوزین گفته است که اعتماد چندانی به سیستم دفاعی مسکو ندارد.

رئیس شرکت خصوصی واگنر، در حالی از شکست احتمالی روسیه در جنگ اوکراین و پیشنهاد مقام‌های روسی برای گفت‌وگو با اوکراین سخن گفته است که چین، یکی از کشورهای نزدیک به روسیه، در این اواخر گواه دیدار چندین مقام اروپایی بود.

هدف این دیدارها، متقاعدسازی پوتین به ختم جنگ در اوکراین خوانده شده است.

نخست‌وزیر پاکستان: عمران خان عمداً سرعت توسعه در پنجاب را کندتر ساخت



وی تصریح کرده است: «به جای تمرکز بر پیشرفت ایالت، از دفتر نخست‌وزیر برای مانورهای سیاسی در سطح فدرال سوءاستفاده شد. پروژه‌های عام‌المنفعه که باید تکمیل می‌شد، سال‌ها در دوره دولت قبل با مشکل مواجه شدند.» گفتنی است که عمران خان از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ نخست‌وزیر پاکستان بود و به دلیل رای عدم اعتماد پارلمان از قدرت کنار رانده شد، اما آقای خان از زمان برکناری تا کنون چندین بار تظاهرات ضدولتی را راه اندازی کرده و خواستار برگزاری انتخابات شده است.

شهباز شریف تا کنون تقاضای عمران خان برای برگزاری انتخابات جدید را رد کرده و گفته است که انتخابات آن کشور به تاریخ معین آن در ماه نوامبر سال جاری برگزار

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، می‌گوید که دولت قبلی این کشور به رهبری عمران خان عمداً سرعت توسعه در پنجاب را که توسط دولت مسلم لیگ شاخه نواز آغاز شده بود، کندتر ساخت.

بربنیاد گزارش اکسپرس تریبون، نخست‌وزیر پاکستان این اظهارات را روز یکشنبه، ۱۶ اپریل، در نشستی با کابینه این کشور بیان کرده است.

او مدعی شده است که مردم پنجاب به دلیل حمایت‌شان از دولت مسلم‌لیگ، از پروژه‌های توسعه‌ای محروم شده بودند. شریف افزوده که در چهار سال گذشته و در دولت قبلی، امور این ایالت به دست یک وزیر ناتوان و دست‌نشانده سپرده شده بود.

اعضای گروه هفت در مورد تسریع تغییر به سمت انرژی پاک توافق کردند



با آن‌ها همکاری می‌کنیم تا پروژه‌های جدید تولید برق با سوخت زغال‌سنگ در سرتاسر جهان را در اسرع وقت پایان دهیم تا انتقال انرژی پاک را به شیوه‌ای عادلانه تسریع کنیم.»

این در حالی است که چین و سایر کشورهای در حال توسعه درخواست‌های خود را برای کمک بیشتر برای حذف تدریجی سوخت‌های فسیلی و تثبیت قیمت‌ها و منابع انرژی در بحبوحه اختلالات ناشی از جنگ روسیه علیه اوکراین افزایش داده‌اند.

موضوع تعیین جدول زمانی برای حذف تدریجی نیروگاه‌های زغال‌سنگ یک مساله مورد تنش دیرینه است. با این حال، کشورهای شامل گروه هفت، ۴۰ درصد از فعالیت اقتصادی جهان و یک‌چهارم انتشار کاربن جهانی را تشکیل می‌دهند. اقدامات آن‌ها حیاتی است، اما حمایت آن‌ها از کشورهای کمتر ثروت‌مندی که اغلب از بدترین اثرات تغییرات آب‌وهوایی رنج می‌برند، در عین حال که کمترین منابع را برای کاهش چنین تأثیراتی دارند، نیز حیاتی است.

وزیران انرژی و محیط زیست گروه هفت (G-7) متعهد شده‌اند که برای تسریع تغییر به سمت انرژی پاک‌تر و تجدیدپذیر تلاش کنند.

بربنیاد خبرگزاری فرانسه، این نشست که روز یکشنبه، ۱۶ اپریل، برگزار شده بود، رهبران گروه هفت در آن هیچ جدول زمانی برای توقف تدریجی نیروگاه‌های زغال‌سنگ تعیین نکرده‌اند.

این مقام‌ها در بیانیه‌ای ۳۶ صفحه‌ای، تعهدات خود را پیش از اجلاس سران G-7 در هیروشیما در ماه آینده میلادی بیان کرده‌اند.

جایان برای استراتژی ملی خود با تأکید بر زغال‌سنگ پاک، هایدروجن و انرژی هسته‌ای برای کمک به تضمین امنیت انرژی‌اش، تأییدیه کشورهای G-7 را دریافت کرده است.

در این بیانیه آمده است: «با شناخت بحران کنونی انرژی جهانی و اختلالات اقتصادی، ما بر تعهد خود برای تسریع انتقال انرژی پاک به انتشار گازهای گل‌خانه‌ای صفر خالص (GHG) حداکثر تا سال ۲۰۵۰ تأکید می‌کنیم.» آنان اضافه کرده‌اند: «ما از کشورهای دیگر می‌خواهیم و

مردان مسلح در لباس خبرنگار یک عضو پیشین پارلمان هند و برادرش را کشتند

بربنیاد گزارش‌ها، مردان مسلح در حالی که کمره و مایک خبرنگاری در دست داشتند، یک عضو پیشین پارلمان هند و برادرش را حین اجرای مصاحبه با شلیک گلوله کشته‌اند.

دان، از رسانه‌های پاکستان، گزارش داده که این رویداد روز شنبه، ۱۵ اپریل، در شهر شمالی پریاگراچ پس از آن رخ داده است که پولیس عتیق احمد ۶۱ ساله، از اعضای پیشین پارلمان هند، و برادرش را که به جرم آدم‌ربایی زندانی هستند، به شفاخانه می‌برد. تصاویر تلویزیونی ضبط شده از جریان قتل این دو مرد مسلمان نشان می‌دهد که مردان مسلح در جریان مصاحبه از فاصله نزدیک بر آنان گلوله‌باری کرده‌اند. پراشانت کومار، یکی از مقام‌های پولیس هند، گفته است: «طبق اطلاعات اولیه، سه نفر که خود را خبرنگار نشان می‌دادند، به آن‌ها نزدیک شدند و سپس تیراندازی کردند مهاجمان بازداشت شده‌اند و تحت بازجویی قرار دارند.»

عتیق احمد که با اتهام‌های قتل و تجاوز روبه‌رو بود، ماه گذشته در دادخواستی به دادگاه عالی هند مدعی شده بود که از سوی پولیس هند تهدید به مرگ شده است.

گفتنی است که این رویداد خشم مخالفان حزب حاکم بهارتیاجاناتا را برانگیخته است.